

۶۵۳

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۲۴ ژوئن ۲۰۲۲ - ۳ خرداد ۱۴۰۱

### کشمکش بر سر قدرت سیاسی

## جدال بورژوازی و پرولتاریا در دوره انقلابی

سیاوش دانشور

صفحه ۳

## آغاز اعتراضات قدرتمند کارگری در بریتانیا

سعید آرمان

صفحه ۷

## رژیم درمانده، اعتراضات گسترده، نقش و موقعیت احزاب

### سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس - اتاق نقد و نظر

صفحه ۹

## دستگیری و ارباب جمهوری

### اسلامی را نجات نمی دهد!

جمهوری اسلامی فضای ارباب و سرکوب را گسترش داده است. به موازات گسترش اعتراض و نارضایتی مردم به گرانی و تورم و وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی، رژیم اسلامی نگران از ادامه فضای شدت اعتراضی، و نا توان از مهار این همه نفرت و بیزاری و اعتراض، به ارباب و وحشیگری بیشتر، فشار بر فعالین و دستگیری و بازداشت و آزار معلمین و خانواده جانب‌باختگان روی می آورد. درست است که جنایت در جمهوری اسلامی نهادینه است و بقای رژیم از آغاز تا کنون با اعدام مخالفین، سرکوب و اختناق مذهبی تضمین شده است، اما امروز این وحشیگری در واقع بیان ترس و وحشتی است که جنبش سرنگونی طلبانه مردم آزادیخواه بر پیکر درمانده رژیم اسلامی انداخته است.

درست است که اعتراضات افشار مختلف اجتماعی از کارگر، معلم بازنشسته عموماً علیه فقر و برای بهبود معیشت است، اما صورت مسئله اصلی این اعتراضات و جنبشها، بی تردید سرنگونی جمهوری اسلامی است، به عبارت دیگر کشمکشی طبقاتی بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی میان اکثریت اردوی کار و حاکمیت بورژوازی در ایران در جریان است. نه تنها تورم و گرانی افسار گسیخته و فلاکت اقتصادی معیشت و زندگی مردم رابه پائینترین سطح آن تنزل داده است، تبعیض و نابرابری، اختناق فرهنگی، زن ستیزی و سرکوب و فشارهای

صفحه ۲

## مسیر سرنگونی از همبستگی طبقاتی می گذرد و نه اتحاد ملی

جاوید حکیمی

صفحه ۱۱

## جمهوری سوسیالیستی آلترناتیو ماست!

نادر شریفی

صفحه ۱۲

<p><b>همدردی با مردم</b></p> <p><b>ستم‌دیده افغانستان</b></p> <p>صفحه ۲</p>	<p><b>یادداشت‌ها</b></p> <p>سیاوش دانشور</p> <p>صفحه ۱۴</p>
---	---

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کهر

صفحه ۱۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



داریم که از زندانیان سیاسی با تمام قدرت حمایت کنیم و برای آزادی آنان از اسارت جمهوری اسلامی تلاش کنیم. در کنار مطالبه گری و مبارزه برای آزادی و برابری و رفاه همگانی، مبارزه و تلاش برای آزادی معلمان زندانی و زندانیان سیاسی دربند و دستگیر شدگان اعتراضات توده ای باید به یکی از شعارهای ضروری جنبشهای

اعتراضی تبدیل شود. باید کاری کرد که دست دستگاههای سرکوب جمهوری اسلامی را از سر فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی کوتاه کرد. در این شرایط پرتحول سیاسی، ما کمونیستها و ازادخواهان باید بکوشیم و تلاش کنیم که ضمن حمایت و تقویت جنبشهای رادیکال و انقلابی و دفاع از زندانیان سیاسی در ایران مسیر مبارزه تا سرنگونی را هموار کنیم. انتخاب دیگری در مقابل ما قرار ندارد.

سردبیر

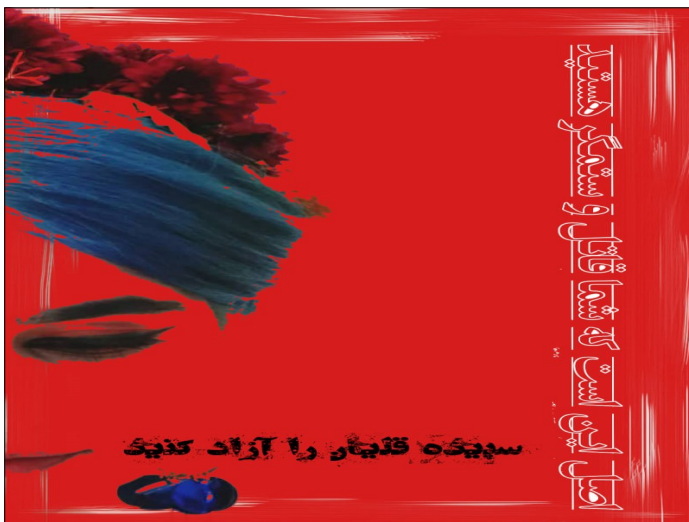
## همردی با مردم ستمدیده افغانستان

در ساعات اولیه صبح چهارشنبه اول تیرماه، زلزله شدیدی در مناطق خوست و پکتیکا در افغانستان به وقوع پیوست که بنا به آمار اعلام شده طی آن بیش از ۱۰۰۰ نفر جانشان را از دست دادند و تعداد بسیار بیشتری مصدوم و زیر آوار ماندند.

زلزله واقعه ای طبیعی است اما قابل کنترل. اگر هنوز آدم می کشد دلیلی جز این ندارد که دولتهای سرمایه داری برای جان انسانها ارزش قائل نیستند و ایمنی محیط کار و زندگی و مسکن در بسیاری کشورها صفر است.

ما مراتب همردی خود را با قربانیان این فاجعه و مردم ستمدیده افغانستان اعلام می کنیم و برای مصدومین آرزوی بهبود داریم.

سردبیر.



## دستگیری و ارباب جمهوری اسلامی را نجات نمی دهد!

امنیتی بر مردم و فعالین زندگی را بر مردم تنگتر کرده و اکثریت مردم کارگر و زحمتکش رابه تقابلی دائمی و ستیز با جمهوری اسلامی سوق داده است و رژیم سرمایه داری اسلامی در مقابل تعرض مردم، به سرکوب و ارباب و خشونت هر چه بیشتر روی آورده و با چنگ و دندان و با همه ابزار سرکوب در مقابل مردم مقاومت می کند و به جنگ آنان می رود.

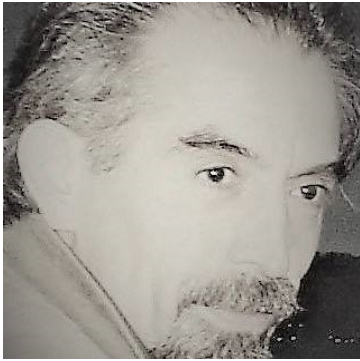
در طول روزها و هفته های گذشته ده ها معلم مبارز را به دلیل حق خواهی و ازادخواهی دستگیر و روانه زندان کرده و بشدت تحت فشارند تا از آنها اعتراف گیری کنند. پرونده سازی و سناریوسازی مضحک علیه معلمان، بستن وثیقه های سنگین به پای زندانیان به امری روتین دستگاههای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی تبدیل شده است، به این امید که فعالین را خفه، مردم را ساکت و جامعه را منکوب کنند، اما کور خوانده اند.

چندی پیش نیروهای امنیتی منزل شهناز اکملی مادر مصطفی کریم بیگی از جانبختگان خیزش آبانماه ۹۸ را به هم ریخته و دخترش مریم کریم بیگی را دستگیر و زندانی کرده اند. رضا شهابی فعال کارگری زیر شکنجه و فشارهای روحی برای گرفتن اقرار و ادار به اعتصاب غذا شده است. وحید باقری از دستگیر شدگان آبانماه در خوزستان هنوز در زندان است و دراعتصاب غذا بسر می برد. سپیده قلیان و نرگس محمدی هنوز در زندان هستند و ده ها فعال سیاسی و کارگری زیر فشارهای روحی و جسمی درمخوفگاههای جمهوری اسلامی به سر می برند.

با این وجود رزم آنان ادامه دارد و تسلیم زور گویی جنایتکاران اسلامی نمی شوند. جمهوری اسلامی فکر می کند که با ادامه ارباب و اختناق می تواند خود را از این بن بست نجات دهد و جلو اعتراض و نفرت مردم را سد کند. اما همه شواهد اکنون عکس آن را نشان می دهد. مردم با اعتراضشان و رودروبا نیروهای سرکوب و فعالین با جسارت و مقاومت، دیوار وحشت را شکسته اند و بابت آن هزینه سنگینی داده اند. به موازات اعتصابات کارگری، اعتراضات مداوم معلمان و باز نشستهگان، در اعتراضات توده ای اخیر مردم بی تعارفتر و شجاعانه تر در مقابل رژیم اسلامی ایستادگی کرده اند و سران رژیم، و در راس آن، خامنه ای و رئیسی را مقصر این اوضاع می دانند. اکنون مردم از همه اقشار جامعه بخوبی می دانند که مسبب این اوضاع کی است و می دانند که بدون کنار زدن آنان از حاکمیت و بدون سرنگونی کلیت حکومت اسلامی صحبتی از آزادی و رفاه و عدالت در میان نخواهد بود. خودآگاهی جامعه ای که به این حد رسیده باشد که بدون تغییر این اوضاع راه دیگری در مقابلش قرار ندارد، بی تردید برای به هم ریختن این اوضاع تلاش خواهند کرد و قدم به قدم موانع را از سر راه بر خواهند داشت.

اکثریت مردمی که زندگیشان زیر حاکمیت سیاه اسلامی به نابودی کشانده شده و برای سرنگونی آن روزشماری می کنند، همین مردم نباید زندانیان سیاسی را تنها بگذارند. ما وظیفه

مرگ بر جمهوری اسلامی!



لذا جریانها و افرادی که با فیس و افاده دمکراتیک برای بورژوازی تلاش دارند برادری شان را اثبات کنند، یا آن تازه سیاستمدارانی که پوولتیک زدن را با سیاست انقلابی اشتباهی گرفته اند، در زمینی بازی می کنند که در آن نه فقط خبره نیستند بلکه راه رفتن خود را نیز فراموش می کنند. برای بورژوازی و

جنبشهای طبقات حاکم همه عناصر و ارکان نظم موجود فرض است: جامعه طبقاتی است و طبقاتی میماند، اصل مالکیت خصوصی مقدس است، استثمار انجیل همه آنهاست، تبعیض و نابرابری همیشه بوده و با هر تغییری در اساس میماند، دستگاه مذهب و صنعت دین و آخوند بعنوان مکمل دربار و سلطنت و قدرت بورژوازی و بازار همیشه بوده و خواهد بود، ناسیونالیسم و «فرهنگ ملی» و «تاریخ ملی» تقدیس و یک رکن ایدئولوژی کل طبقه بورژوازی است، فرهنگ حاکم فرهنگ آنها و اخلاقیات و سنت نیز همینطور. بوروکراسی و ارتش و نهادهای سرکوب بعنوان رکن «امنیت نظام» که دیگر جای خود دارد و همراه با دادگاه و پلیس ستونهای ماشین دولتی را تشکیل میدهند. برای بورژوازی و جنگ درون طبقاتی آنها در دوره های بحران انقلابی مسئله اینست که کدام جناح و خط مشی و حزب سیاسی بهتر میتواند منافع کل این طبقه را در این دوره مشخص در مقابل پرولتاریا و «خطر» کمونیسم نمایندگی کند.

برای ما بعنوان حزب کمونیستی کارگری و پیشروان طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی که وضع موجود را نمیخواهیم، مسئله تماماً متفاوت است: ما جنبشی هستیم که با کل داده های جامعه کنونی و نظم کهنه در حال جنگیم. وجود ما انکار آنهاست و وجود آنها انکار ماست. ما ریشه هایمان و جوانه هایمان در همین جامعه کنونی نضج گرفته اما نظر به آینده و نظم جدیدی داریم. ما آن حرکت خلاف جریان و انتقادی و انقلابی هستیم که فشرده آگاهی و تجربه مبارزه پرولتاریا بعنوان یک طبقه جهانی را در هر جبهه مشخص و کنکرت مبارزه طبقاتی نمایندگی می کنیم. ما جنبش ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی هستیم که میگوییم تغییرات رادیکال و ریشه ای ضروری و ممکن است. ما نمیتوانیم ادای سیاستمداران بورژوا را در بیاوریم و رو به کارگران وعده بهبود اقتصادی و گشایش سیاسی بدهیم. ما نمیتوانیم پائی در این جهان و پائی در آن جهان داشته باشیم. رادیکالیسم کارگری و سوسیالیستی نمیتواند خود را بر مفروضات جامعه بورژوایی و جنبشهای بورژوایی و مفاهیم و ارزشهای طبقه حاکم سوار کند. اگر کسانی فکر میکنند کمونیست ها مشغول «تزکیه نفس ایدئولوژیک» اند و سیاستمدار به معنی بد آن یعنی حقه بازی بلد نیستند؛ دیگر مشکل از ما نیست، مشکل از کسانی است که دیر آمده اند و میخواهند زود برسند. مشکل راستش اینست که با این سیاستها اصولاً چرا خود را سوسیالیست و کمونیست می نامند. خیر، موضوع برسر مکنی و ایدئولوژیک و سکتاریست بودن نیست. ما نمیتوانیم از سیاست و اهداف و اصولیت کمونیستی کوتاه بیاییم چون اینها نافی استقلال جنبش ما و راه شکست ما را هموار می کند. ما مانند پوپولیست های سلخته نمیخواهیم همه مردم را قانع کنیم و یا روی فرهنگ حاکم و مذهب و عقب ماندگی این و آن بخش جامعه سرمایه گذاری کنیم. ما میخواهیم نماینده پیشروترین افکار و سیاستها و الگویی از اقتصاد و سیاست و نظم اجتماعی باشیم که تاکنون بشر تجربه نکرده است و

## کشمکش برسر قدرت سیاسی

### جدال بورژوازی و پرولتاریا در دوره انقلابی

سیاوش دانشور

در حاشیه اظهارات رضا پهلوی اشاره کردیم که «این جدال برسر قدرت سیاسی است، شوی سیاسی نیست». صورت مسئله اصلی و کلیدی سیاست در دوره انقلابی و اوجگیری کشمکش سیاسی و طبقاتی، تعیین تکلیف مسئله قدرت سیاسی است. اگر حکومت کنونی از نظر جامعه توان ادامه ندارد و دارد می رود- که از نظر ما و کارگران باید به طرق انقلابی سرنگون شود و برود- آنوقت سوال واقعی و جدالی که تشدید شده است برسر اینست که مشخصات و کاراکتر و ماهیت دولت و نظام بعدی ایران چیست و این روند چگونه و طی چه پروسه ای بفرجام میرسد. این پروسه واقعی و مادی مبارزاتی تعیین میکند که مسائلی مانند نظام آتی، ساختار سیاسی اداری و مکانیسم انتخاب مردم چیست و نه وعده های کشیمنی «انتخابات آزاد» و «بازنویسی قانون اساسی»، رهبر تراشی و آلترناتیوسازی که هدفش قیچی کردن همین روند واقعی است. برای درک درست تر صورت مسئله و چه باید کرد کمونیست ها، باید از فرمولهای کلیشه ای و کتابی و چهارچوبهای بعد از پیروزی فاصله گرفت. سخن برسر طی این مسیر، چگونگی یک پراتیک زنده، متکی به اصولیت کمونیستی و نمایندگی منافع مستقل طبقه کارگر در تحولات جاری است.

#### شرایط نابرابر، مسیر متفاوت

اولین مسئله اینست که دو اردوی طبقاتی متخاصم راست و چپ، بورژوازی و کمونیسم، به شمول جنبشها و احزاب سیاسی شان، نه مسیر یکسانی دارند و نه شرایط نسبتاً یکسانی. برای ما این یک داده سیاست است و در یک قرن گذشته، از انقلاب مشروطیت تا به امروز، احزاب و اردوهای اصلی راست و چپ هیچوقت از شرایط نسبتاً یکسانی برخوردار نبوده اند و سیاست ایران را اساساً طبقات دارا و دو خاندان بزرگ مشروعه و مشروطه، مذهب و ناسیونالیسم، رقم زده اند. تنها استثناً انقلاب ۵۷ است که یک طبقه کارگر شهری جوان در مقطعی از روند انقلابی دخالت کرد، کمر رژیم سلطنتی را با اعتصابات شکوهمند نفت شکست و برای مدت کوتاهی ابتکار عمل سیاسی را در دست داشت؛ که آنهم بدلیل محدودیت های خود از جمله فقدان یک حزب کمونیستی کارگری که نماینده آرمانهای جنبش مدرنیستی- سوسیالیستی کارگران در این انقلاب باشد، بسرعت منکوب و به عقب رانده شد و نهایتاً بخونین ترین شکل سرکوب شد. این جامعه ای است که طی صد سال استبداد پشت استبداد و دیکتاتوری پشت دیکتاتوری را تجربه کرده است. این کشوری است که کودتا و ساواک و ساواما و ترور و اعدام جزو لاینفک اعمال حاکمیت در آن بوده است. این مملکتی است که از قوانین ضد اتحادیه رضاخانی تا سرکوب خشن کمونیست ها و ممنوعیت سازمانهای کارگری و احزاب کمونیستی از افتخارات آنست. در ایران و کشورهای مشابه، سخن گفتن از «رقابت سیاسی کارگر با بورژوازی» در شرایط یکسان و توصیه «بروید حزب بسازید»، اگر نشان بلاهت نباشد بدون تردید یک شیادی سیاسی است. شرایط برای ما کمونیست ها و طبقه کارگر هیچوقت برابر نبوده و نخواهد بود و بنابراین مسیر سیاسی جریان انقلابی و کمونیستی نمیتواند همان مسیری باشد که بورژوازی طی می کند.

## کشمکش بر سر قدرت سیاسی

### جدال بورژوازی و پرولتاریا در دوره انقلابی

سیاوش دانشور

باید. لذا دیکتاتوری لازم است، ممنوعیت تشکل و تحزب کمونیستی و کارگری اصل است، اگر در دوره های دوفاکتوی سیاسی موقتاً زورشان نرسد، برای تثبیت حاکمیت شان در اولین فرصت میزنند و قلع و قمع می کنند. نه فقط کارگر و کمونیسم را می کوبند بلکه اختناق را به کل جامعه تسری میدهند. دیکتاتوری حاصل خلیقات شاه و خمینی و تنگ نظری رژیمهای پهلوی و اسلامی و هر رژیم سرمایه داری دیگر نیست، دیکتاتوری ربطی به بود و نبود فرهنگ دمکراتیک ندارد، دیکتاتوری یک نیاز کارکرد سرمایه و نظم سرمایه داری در این کشور هاست.

وجود دمکراسی نیم بند و درجه ای از آزادیهای سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی در بخش قلیلی از کشورهای جهان، سوبسیدی است که بورژوازی این کشورها به کارگران میدهد و آنها را سازماندهی استثمار خشن و دستمزدهای روزی دو تا پنج دلار در بخش اعظم کشورها جبران می کند. همین بورژوازی وقتی کم می آورد در پارلمان را هم تخته می کند و فاشیستها را بجان مردم می اندازد. لذا سخنان بیمایه و سطحی جناح های مرکز و ناسیونالیست ها و دمکراتهای متفرقه در باب دمکراسی و پارلمانتاریسم و یا تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس موسسان و انتخابات آزاد را با فرض تداوم حاکمیت سرمایه داری نباید ذره ای جدی گرفت. از نظر ما کمونیست ها روشن است که "مجلس موسسان" و "مجلس ملی" تنها خاکریز آخر بورژوازی برای اعاده نظم سابق در دوره تحول انقلابی است. مستقل از آگاهی به محتوای پوچ ادعاهای بورژوازی در موقعیت اپوزیسیون، نفس صورت ظاهر این ادعاها را نباید قبول کرد و یا به آن توهم داشت. از این مضحک تر، توهم چپ هائی است که کاسه داغ تر از آش میشوند و درس رقابت سیاسی و سعه صدر به بورژوازی میدهند. این نوع چپ، که در دوره های تشدید مبارزه طبقاتی چپ میشوند و براساس می چرخند، در واقع فراکسیون ها و اریانت هائی از همان اهداف سیاسی و آرمانهای بورژوازی بستر اصلی اند. ناسیونالیسم چپ، کمونیسم ملی، پوپولیسم، خلقیون، تازه دمکرات هائی که میخواهند حسن نیت شان را به بورژوازی یادآور شوند، از این زمره اند. کمونیسم و کارگر نمیتواند صورت ظاهر این مفاهیم را ببیند و قبول کند و از موضع چپ آنها تفسیر کند. اینها نسخه تسلیم پرولتاریا به اهداف ارتجاع سیاسی است.

#### رضا پهلوی ها چطور به قدرت میرسند؟

جد و جهد رسانه ها حول سخنان رضا پهلوی انسان را یاد مراسمهای ۴ آبان و تاجگذاری در رژیم سلطنتی می اندازد. سخنان رضا پهلوی از نظر مضمون تکراری و خاکستری، بویژه بربط به مسائل و نیازهای جامعه و از نظر استراتژیک و تاکتیکی حتی از موضع منافع بورژوازی تهی از هر نکته جدید و بسیج کننده بود. مشکل وی و مؤتلفین جمهوریخواه و ناسیونالیست و فاشیست صرفاً این نیست که حرف جدیدی برای گفتن ندارند، مشکل اساسی که در هیچ بحثی از میان موافقان و منتقدان آبکی و دنباله رو مطرح نشد، این بود که ایشان چطور میخواهد به قدرت برسد؟ رژیم اسلامی طی چه پروسه ای و چگونه سرنگون میشود و نقش مشخص آنها چیست؟ اگر قرار است خود مردم با مبارزاتشان حکومت اسلامی را سرنگون کنند، چرا باید فرش قرمز پهن کنند و زمام قدرت را به ایشان و کسانی بدهند که با وی بیعت کرده اند! بعبارت دیگر، فرض عمومی رضا پهلوی و متحدین دیروز اصلاح طلب و ناسیونالیست های متفرقه اینست که آمریکا و دول غربی بجای حمایت از و مذاکره با جمهوری اسلامی از آنها حمایت می کنند و طی یک مجموعه اعمال فشار سیاسی و تحریم شدید اقتصادی و احیاناً حمله نظامی و روی دوش تظاهراتهای کنترل شده، روند انتقال قدرت

تنها نسیمی از آن هرازگاهی در پس هر انقلاب و تحولی وزیده و به بورژوازی تحمیل شده است. ما همه آزادی را میخواهیم و برای همه آزادی می جنگیم، ما میخواهیم صف پیشروترین و رادیکالترین بخش کارگران و جامعه باشیم تا بتوانیم انقلابی زیر و رو کننده و طوفانی بپا کنیم که یک قرن دیگر بر ایران و جهان مهر خود را بکوبد. شرایط ما بشدت نابرابر است و مسیر ما متفاوت. ما سیاست را با چهارچوب ناسیونالیستی و اصلاح طلبانه و سوسیال دمکراتیک درک نمیکنیم و چنین تلقیاتی از سیاست و خط مشی تاکتیکی نداریم. بدترین اشتباه برای کمونیست ها و رهبران کارگری اینست که در ایندوران سرنوشت ساز سیاست را به روایت و سنت های طبقات دارا تبیین کنند.

#### "لیبرال دمکراتهای" فاشیست

ایران "لیبرال" ندارد و هیچوقت یک سنت لیبرالی و سکولار و نیمچه آزادیخواه که بدهکاری به ارتجاع نداشته باشد، در سیاست ایران حضور موثر نداشته است. "لیبرال" های ایرانی همواره یا به اسلام و آخوند سواری دادند و یا به دربار سلطنتی کرنش کرده اند. بورژوازی وقتی در اپوزیسیون است از "تلرانس و تمرین دمکراسی" و "مثالهم حرف میزنند. در نفی "خشونت" و عمل انقلابی رجز میخواند و مانند پاپ و مادر ترزا در باره "نافرمانی مدنی" و "مسالمت جویی" و "آشتی ملی" و "وحدت کلمه" و "امروز فقط اتحاد" و "همه با هم" سخن سرایی میکند. یا روی مفاهیم کهنه و امتحان پس داده مانند مجلس موسسان، راه حل های قانونی، باز نویسی قانون اساسی، تعدیل مذهب و اختیارات ولایت فقیه مانور میدهد. اینها نه طرح سیاسی اند و نه دارای محتوای جدی سیاسی و نه ذره ای از آزادی را در خود نمایندگی می کنند و نه هیچوقت مبشر یک ذره آزادی و گشایش سیاسی در آن مملکت بوده اند. این عبارات و کلمات قصار اسم رمزند؛ اسم رمز در شرایط کنکرت سیاسی برای تعبیه نقطه سازشهایی در مقابل مبارزه کارگران و مردم، برای قانونیزه کردن سیر مبارزه و ممانعت از انقلابی شدن آن، برای کنترل اعتراض از پائین جهت چانه زنی در بالا، برای قیچی کردن توده اهالی از دخالت در سیاست و آگذاری امور به نخبگان و طبقات دارا. در یک کلام خاکریزهای بورژوازی در دوره انقلابی. امروز که پرچمداران و منتظر السلطنه های لیبرال دمکراسی رسماً فاشیست اند و بی پرده از قتل کمونیست ها و مخالفین سخن میگویند.

ما مختصات حاکمیت بورژوازی در کشورهایی مانند ایران را خوب می شناسیم. اینها سخنان جدید ما نیستند و از روزهای اول سرکار آوردن خمینی و جریان اسلامی بعنوان کمونیست گفته ایم و تلاش کردیم به درک عمومی کمونیست ها و رهبران پیشرو کارگری تبدیل شود. اثبات آن هم طولی نکشید و دیگر هر بنی بشری آن را تنفس و زندگی میکند. روینای سیاسی سرمایه داری در کشور هائی مانند ایران مبتنی بر استبداد سیاسی و دیکتاتوری عربان است. برای اینکه سرمایه بتواند کار کند و فوق سود کسب کند، کار باید ارزان باشد و استثمار به خشن ترین شکل سازمان

## کشمکش بر سر قدرت سیاسی

### جدال بورژوازی و پرولتاریا در دوره انقلابی

سیاوش دانشور

از بالا صورت میگیرد. در فقدان چنین پروسه ای، به قدرت نزدیک شدن رضا پهلوی و مریم رجوی و شاخه های متفرقه اپوزیسیون بورژوایی در حد خواب و خیال باقی می ماند. اصولاً آلترناتیوسازی بورژوایی بدون حمایت دولتهای غربی و مشخصاً آمریکا بالماسکه نشستن در اتاق انتظار دولت بعدی است و اساس سیاست این جریانها در کل تاریخ شان جز این نبوده است.

باید تصریح کرد که احیای سلطنت در ایران محال است، کسانی که ولی فقیه را می اندازند به شاه و ولی عهد دیگری رضایت نمیدهند. اما راست پروغربی و فاشیست و ضد کمونیست در شرایطی که دیگر امیدی به سرپا نگهداشتن رژیم اسلامی نیست، شانس دارد. سوال اصلی اینست که آیا مجموعه شرایط بین المللی و منطقه ای و داخلی، دول غربی را به این نتیجه رسانده که از اپوزیسیون راست ایران حال در هر ترکیبی حمایت کنند؟ این مسئله اگر بغوریت مطرح نباشد، بحکم دینامیزم مبارزه انقلابی در جامعه ایران بسرعت مطرح خواهد شد. حتی با این فرض، تکرار سناریوی بقدرت رسیدن جریان اسلامی اگر نگوییم غیر ممکن است، بسیار سخت و پیچیده و خونین خواهد بود. چرا؟ اولاً، رژیم اسلامی رژیم سلطنتی نیست که بسرعت مضمحل شود. هیچ درجه تمجید سپاه و بسیج و ارتش توسط رضا پهلوی و اپوزیسیون بورژوایی نمیتواند این پروسه را سهل الوصول کند. ثانیاً، خامنه ای و شرکا با اشاره آمریکا مثل محمد رضا پهلوی قدرت را واگذار نمی کنند. ثالثاً، بخشی از باندهای متفرقه حکومتی که دست و پایشان را در منطقه گسترانده اند، در روند اضمحلال حکومت در میدان می مانند و در اشکال دیگری برای اعاده قدرتشان تلاش خواهند کرد.

حتی کودتای فرضی ارتش- فرض محال- بنفع رضا پهلوی نمیتواند مجموعه نیروها و باندهای نظامی و مراکز متعدد قدرت را طی پروسه کوتاهی بزیر کنترل خود بکشد. رابعاً و مهمتر، هر سیکنال حمایت غرب از رفتن جمهوری اسلامی در مقیاس بسیار قویتری مردم را برای تعیین تکلیف با کلیت حکومت اسلامی به صحنه می آورد. جامعه و نیروهای سیاسی چنین روندی را به معنی پایان جمهوری اسلامی تلقی خواهند کرد اما تلاش خواهند کرد مهر خودشان را بر اوضاع بکوبند. این مردمی که چشم دیدن آخوند و دستگاه دین و سرمایه داران حریص و آدمکشان اسلامی را ندارند، همراه با صف وسیع کمونیست ها و انقلابیونی که دنبال فرصت میگردند، میدان را برای رضا پهلوی و فرشگردی های فاشیست و باندهای متفرقه پنتاگون نیست خالی نخواهند کرد. ما تضمین میکنیم که نگذاریم کارگران و صف مردم انقلابی به هر دولت مستعجل بورژوازی رضایت دهند. این تناقضات دلیل شکست پی در پی طرحهای اپوزیسیون راست و مشخصاً رضا پهلوی و آلترناتیو سازی بی نتیجه تا به امروز بوده است. اپوزیسیون که عمدتاً اصلاح طلب

تر از اصلاح طلبان حکومتی بوده و روی خط "نافرمانی مدنی" و "گذار مدیریت شده" از حکومت و نفی هر عمل انقلابی کار کرده است، حتی نمیتواند روی مبارزات انقلابی موج سوار خوبی باشد. مهمتر فاکتور بی ربطی سیاست و برنامه این اپوزیسیون با خواستها و مبارزات کارگران و مردم آزادیخواه ایران، نتیجه شکست تاکتونی آنهاست. این واقعیات موجب شده است که هر روز در بسته بندی جدیدی ظاهر شوند و بعد از چند صبحی مجدداً متفرق شوند و فراموش کنند که چندی قبل چه گفته اند.

#### سانسور مطلق کمونیست ها

در این میان رسانه های دست به سینه و بسیار "مستقل"، از سوئی اعتراض واقعی کارگران و مردم را سانسور و جعل می کنند و از سوی دیگر تلاش دارند ارتجاع سیاسی را با سانسور مطلق کارگر و کمونیسم به مردم قالب کنند. ما نه انتظاری از این رسانه ها داریم و نه توهمی به رفتار سیاسی آنها. این تریبون ها مستقل از اینکه راجع به خود چه میگویند سیاست شان مبتنی بر ترجیح سیاست خارجی دولتهای متبوعشان است. سانسور مطلق کمونیست ها بدلیل عدم شناخت از آنها نیست، فرق شدن این تریبون ها توسط اصلاح طلبان حکومتی برای دوره طولانی حاصل اشتباه و یا سلیقه سیاسی مدیران آنها نیست، دست به سینه ظاهر شدن برای رضا پهلوی و دیروز آدمکشان تازه اصلاح طلب و ساواکی ها بهبوده نیست. این رسانه ها یک ابزار سیاست خارجی دول غربی اند و بفرموده کار میکنند. اینکه موارد استثنایی هم افرادی رادیکال و عمدتاً غیر متشکل را برای دقایقی تحمل می کنند، نباید به حساب "عدم جانبداری" آنها گذاشت.

#### کشمکش بر سر قدرت سیاسی

تعریف دقیق و درست صورت مسئله بخشی از پاسخ نیز هست. باید همه ظواهر را از سناریوهایی که در مقابلمان میگذارند بتکانیم و بطور کنکرت راجع به اصل موضوع بحث کنیم. اپوزیسیون بورژوایی با هر درجه مخالفتی که با آن داریم، برای سیاست و راه حل خود تلاش میکند و در این مسیر روی مفروضات جامعه و نظم کنونی و حمایت دول غربی حساب می کند. از نظر روش عملی این جریانات قرار نیست روش دوش مبارزه انقلابی به قدرت و دولت آتی نزدیک شوند بلکه اشکال کودتایی، رژیم چینج، جنگ و حمله نظامی متکی اند، و با فرض وجود نارضایتی و حتی استیصال در جامعه و دست بدست کردن قدرت در بالا بصورت کنترل شده حساب باز می کنند. این نیروها با روند انقلابی بشدت مخالفند و تلاش برای کنترل مردم و مدیریت دوره گذار و مصون نگاهداشتن ارکانهای اصلی نظام از گزند تعرض انقلابی هدف اساسی آنهاست. بخشی از این نیروها دستجات سناریوی سیاهی اند که با نفس بقای جامعه تناقض دارند.

اما مستقل از آنچه راجع به خود میگویند و آنچه که با دوپینگ رسانه ای میخواهند به مردم بخوراند، اجندا و دستور کار اپوزیسیون بورژوایی با هر نام و بسته بندی سیاسی، اعاده نظم کهنه و بازسازی دولت بورژوایی در دوره تحول انقلابی و بحران حاد سیاسی است. اختلاف آنها با حکومت اسلامی و با همدیگر خانوادگی و درون طبقاتی و بر سر ترکیب حاکمیت و خط مشی اداره کشور است.

برای حزب ما و کمونیسم و طبقه کارگر مسئله دقیقاً برعکس است. اجندا و دستور کار اردوی انقلابی و کمونیستی

## کشمکش بر سر قدرت سیاسی

### جدال بورژوازی و پرولتاریا در دوره انقلابی

سیاوش دانشور

ها و گرایش‌های بورژوازی ایران در ایندوره مشخص است. دولت، بمثابه دولت موقت انقلابی، دولتی برای بسط مبارزه طبقاتی، دولتی برای انقلاب بیوقفه، دولتی برای درهم شکستن مقاومت ضد انقلابی طبقه حاکم، دولتی برای بسیج وسیع‌ترین نیروی طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی برای انقلاب کارگری، دولتی برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم و استقرار یک نظم نوین سوسیالیستی و شورائی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همراه با کارگران کمونیست و انقلابیون در صف اول مبارزه برای سرنگونی و کسب قدرت سیاسی شرکت می‌کنیم اما نگاه مان به انقلاب کارگری و برپایی یک نظم نوین سوسیالیستی است. ایندوره برای ما و طبقه کارگر دوره پراتیک به معنی وسیع کلمه، دوره پراتیسین های انقلابی، دوره اعمال رهبری کمونیستی، دوره سازمانگری و مبارزه انقلابی برای سرنگونی و دوره صعبندی بدون توهم در مقابل جنبش‌ها و راه‌های بورژوازی است.

پرولتاریا تنها یک شانس برای رهائی دارد و آن انقلاب کارگری برای نفی کلیت نظم کهنه بورژوازی است. تنها این انقلاب میتواند پرولتاریا را آزاد کند و تنها انقلاب کارگری است که کل جامعه را آزاد میکند. پرولتاریا در ایندوران فقط به کمونیسم و فقط به سیاست و رهبری کمونیستی نیاز دارد. هر سیاست بینابینی دیگری تنها راه به مسلخ بردن امر انقلاب کارگری و اسارت مجدد طبقه کارگر و کوبیدن کمونیسم را هموار میکند. در حاکمیت پرولتاریا همه از جمله بورژوازی میتوانند بمثابه انسان آزاد و برابر باشند، تنها آزادی استثمار و آزادی تجارت از اقلیت ناچیز بورژوازی سلب میشود. اینبار نوبت کمونیسم پرولتاریایی است که پرچمدار آزادی بشریت شود. حزب حکمتیست در صف مقدم این جنبش برای قدرت سیاسی و یک پیروزی همه جانبه سوسیالیستی تلاش میکند.

۲۳ ژوئن ۲۰۲۲



**Parlow TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست، فرکانس: ۱۲۵۹۴، پولاریزاسیون: عمودی،  
سیمبل ریت: ۳۷۵۰۰، اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران:  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های: ۳:۳۰ تا ۴:۳۰، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

کارگری در دوره انقلابی در هم کوبیدن کلیه ارگانهای نظم کهنه و برپایی نظم نوین کارگری است. جریانات و نیروهایی که در ایندوره با هر ادله ای از زود بودن انقلاب علیه سرمایه داری و از راه‌های بینابینی سخن میگویند، منشویکها و اصلاح طلبانی هستند که راه قدرتیگری بورژوازی را هموار می‌کنند. این خط مشی در بیرون و درون سازمانهای مختلف وجود دارد و یک جریان فکری و سیاسی را تشکیل میدهد که اساسا احزاب نوع ۱۹۲۸ و بعد آن هستند. ما حزبی برای تکرار ۱۹۱۷ هستیم، بر کمبودهای خود و ضرورت عاجل تامین ملزومات یک پیروزی همه جانبه کارگری و سوسیالیستی واقفیم، دشمنان طبقاتی مان را خوب می‌شناسیم و تنها راه آزادی طبقه کارگر و به این اعتبار آزادی کل جامعه را پیروزی کمونیسم در ایران میدانیم.

برای ما و هر کمونیست جدی که با فرمول زندگی نمیکند و از سیاست درکی پوزیتیویستی ندارد، دوره انقلابی در اساس با دوره قبل و بعد آن تفاوت ماهوی دارد. اینجا فعلا بحث بر سر مختصات دوره انقلابی، شرایط انقلابی و موقعیت انقلابی نیست که باید دقیقا تبیین شود. اما این توافق باید وجود داشته باشد که وقتی سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست در جامعه بدل میشود و قدرت حاکمه بنا به مجموعه شرایط و فاکتورهای داخلی و منطقه ای و جهانی امکان بقای حکومت و تداوم نظم را ندارد، دوره ای ملتهب و پرتلاطم آغاز میشود که سرنگونی تنها یک نقطه و یک مقطع آنست. این دوره میتواند کشدار باشد و بنا به مشخصات حکومت اسلامی به احتمال قوی کشدار خواهد شد. در این دوره امکان دست بدست شدن قدرت، آمدن و رفتن دولتها، کودتا و ضد کودتا، قدرت دوگانه و چند گانه، رشته قیامهای شهری و خیزشهای انقلابی وجود دارد. دوره ای که با اضمحلال و فروپاشی یا سرنگونی قدرت مرکزی آغاز و تا استقرار و تثبیت دولت بعدی ادامه خواهد یافت.

کلیدی ترین و اساسی ترین سوال در این دوره که ایران بنظر من بسرعت وارد آن میشود، مسئله قدرت سیاسی و تعیین جنس دولت و نظام آتی است. این دولت میتواند دولتی دست راستی و کودتایی و نظامی یا دولتی ائتلافی از بخشهای مختلف بورژوازی یا دولتی انقلابی و برآمده از قیامهای شهری و کارگری باشد. سرنگونی اگر در پروسه ای رادیکال و انقلابی صورت گیرد، دولت برآمده از قیام نیز میتواند دولتی انقلابی باشد. بدرجه ای که دست نیروهای انقلابی از پروسه سرنگونی کوتاه تر باشد، دولت برآمده از سرنگونی لااقل در دور اول راست تر و ترکیب جدیدی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی و نیروهای حاشیه حکومت فعلی خواهد بود. این دولت که ماهیتا موقت است و دستور کار مشخص سیاسی دارد، خود ابزار مبارزه طبقاتی در دوره انقلابی است. دولت، بعنوان حاکمیت جدید بخشی یا ائتلافی از بورژوازی، دولت ضد انقلابی بورژوازی برای بازسازی نظم قدیم سرمایه داری، در هم کوبیدن مقاومت انقلابیون و کمونیست ها و طبقه کارگر و دولت اعاده نظم سابق است. این دستور کار تمام شاخه

آموزش رایگان برای همگان!



کارگری بود. از او سوال می کردند "آیا شما مارکسیست هستید یا نه؟ اگر مارکسیست باشید میخواهید سرمایه‌داری را برچینید؟" همان کاری که برنامه تلویزیون بیست و سی با فعالین کارگری همچون اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و غیر کردند، و یا برای معلمان مبارز همچون رسول بدایقی، محمد حبیبی و غیره مشغول سناریوسازی هستند. کارکرد سرمایه و نهادهای مزدور

در همه جای جهان بر علیه کارگران و مردم هستند. در ایران به زحمت ترین شیوه از جمله زندان و شکنجه و سرکوب در خیابان و در بریتانیا تحریک افکار عمومی و مهندسی آن علیه کارگران و رهبران جسورشان گاه آشکار و گاه نهان.

هفته‌ای که گذشت رسانه‌های دست راستی سنگ تمام گذاشتند تا اعتراض کارگران در روز شنبه و اعتصاب روزهای سه شنبه و پنج شنبه هفته جاری را کم اهمیت جلوه دهند و یا آنان را نامسئول به حال جامعه و خودخواه که صرفاً به فکر منافع خودشان هستند، معرفی می کردند. مدام میزان حقوقشان را که (نسبتاً با توجه به کار سختی که دارند و آنهم رانندگی قطار بویژه در زیر زمین) بیشتر از بخشهای دیگر است، به رخ می کشیدند بدون اینکه یکبار هم به شرایط سخت کاری آنها اشاره کنند. برای کارمندان بی بی سی ایرادی ندارد که برخی از آنان بالغ بر ۱۴۰ هزار پوند در سال مزد قلم دریافت بکنند، اما اگر کارگران درخواست دستمزد بیشتر بکنند خطوط قرمز سرمایه‌داران را رد کرده‌اند.

این رسانه‌های مزدور در آن لحظات لال شده‌اند میزان سود کمپانیها را بگویند، لذا رهبر اتحادیه در مصاحبه‌های گوناگون به مواردی از بی عدالتی در میزان دستمزدها اشاره کرده که از زبان خودش نقل میکند: فاصله طبقاتی بیشتر و بیشتر شده و فقرا فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر، کمپانیهایی که در همین بخش سیستم راه آهن سود می برند قبل از هر چیز از هنگام خصوصی کردن سیستم راه آهن ۱۲ میلیارد پوند سود برده‌اند، یکی از سهامداران یک کمپانی در راه آهن ۱۰۸ میلیون در سال گذشته سود برده است، ما دستمزد کافی نمی گیریم اما سود سرشار تولید می کنیم.

برای نمونه پارسال یک فقره دیگر پانصد میلیون سود برده است، و یا به دلیل خصوصی سازی در صنعت راه آهن یک نفر دیگر از کشوری دیگر آمده بعنوان سرپرست ۱،۲ میلیون در دوران کرونا فقط حقوق گرفته است. این در حالیست که دستمزد کارگران در سه سال گذشته هیچ تغییری نکرده است. او در ادامه می گوید: اتحادیه ما RMT حق عضویت از اعضایش می گیرد و آماده است بر سر هست و نیست خود بجنگد، اما بخشهای دیگر از توان مالی آنچنان برخوردار نیستند که برای حقوق خود بجنگند. ما در شرایطی هستیم که اشتغال کامل داریم اما دستمزدها را کد مانده است و این اوضاع باعث می شود که طبقه کارگر تاب نیاورند. اکثر مردم کشور در ۳ سال گذشته افزایش دستمزد نداشته‌اند، از دوره دیوید کامرون تاکنون دستمزدها را کد مانده است. مشکل این است سود در حال افزایش است اما دستمزدها در جای خود.

رهبر اتحادیه آر ام تی در ادامه اوضاع را چنین

صفحه ۸

## آغاز اعتراضات قدرتمند کارگری در بریتانیا

سعید آرمان

روز شنبه ۱۸ ژوئن برابر با ۲۸ خرداد دهها هزار نفر از اعضای اتحادیه‌های کارگری و مردم و احزاب و سازمانهای مدافع کارگران به فراخوان کنگره اتحادیه‌های کارگری بریتانیا (TUC) در یکی از مراکز لندن تجمع و از آنجا به سمت میدان روبروی پارلمان بریتانیا راهپیمایی شکوهندی را آغاز کردند.

این راهپیمایی اولین و بزرگترین تجمع اعتراضی بعد از پاندمی کرونا و بزرگترین راهپیمایی سازمان داده شده از جانب اتحادیه‌های کارگری از سال ۲۰۱۱ می باشد. کارگران و مردمی خشمگین از سیاستمداران شیاد، سودجو و فاسد که زندگی را به جهنم برای اکثریت جامعه بدل کرده‌اند، جز خراب کردن آوار بر سر طبقه کارگر امر دیگری را برای خود تعریف نکرده‌اند. شعار اصلی این راهپیمایی مطالبه زندگی بهتر، افزایش دستمزدها بود. اتحادیه‌های کارگری، معلمان، پرستاران، پست، آموزش، حمل و نقل، کارگران خدمات شهرداری و هتل و غیره همگی حضور داشتند.

اعتراضات و اعتصابات بیشتری در راه است. پرستاران، معلمان، آتش نشانها و سایر بخشهای دیگر مطالبات خود را در راهپیمایی دهها هزار نفری روز ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد) با حمل بنرهایی مطرح کردند، از جمله پرستاران خواهان افزایش ۱۵ درصد اضافه دستمزد شدند. بحران سال ۲۰۰۸ تاکنون نه تنها ادامه داشته بلکه سال به سال شدت بیشتری گرفته و اکنون بعد از پاندمی کرونا گلولی دهها میلیون کارکن و زحمتکش این کشور را می فشارد. افزایش تورم به ۱۱ درصد رقمی بی سابقه در ۴۰ سال گذشته. قیمت اجناس سیر صعودی طی میکند و شدت بر سفره مردم تأثیر جدی گذاشته است و روز به روز شمارش افرادی که نیازمند بانک غذا (Food Bank) تهیه میکنند بیشتر می شود.

در پنجمین اقتصاد جهان میلیونها کودک از فقر و گرسنگی رنج می برند. طبق گزارش بی بی سی یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ در گزارشی گفته بود ۱۹ درصد کودکان زیر ۱۵ سال بریتانیا در خانواده‌هایی زندگی میکنند که با مشکل تامین غذا مواجه هستند. آخرین آمار بنا به سخنرانی رئیس کنگره اتحادیه‌های کارگری بریتانیا در راهپیمایی شنبه گذشته چهار میلیون کودک در فقر زندگی میکنند. کودکانی هستند در سطل زباله دنبال غذا می گردند. این است واقعیت اسفبار جهان کنونی چه در ایران یا بنگلادش و یا بریتانیا و ابرقدرت جهان آمریکا که دهها میلیون از بیمه درمانی محرومند. رسانه‌های مزدور در تلاش بودند تا افکار عمومی را علیه اعتصاب کنندگان تحریک کنند. می گفتند پرستاران قادر به رفتن بر سر کارشان نیستند و مخاطرات جدی بیماران را تهدید میکند و یا ایام امتحانات است و دانش آموزان از امتحانات آخر سال محروم می شوند. کاری که این روزها و در بحبوحه یک اعتصاب شکوهمند بمنظور تحریک افکار عمومی و ضربه زدن به کارگران اعتصابی حمله به "مایک لینچ Michael Lynch" رهبر اتحادیه کارگران راه آهن RMT آغاز کرده و او را مودیانه مورد سوال قرار میدادند که بیشتر تفتیش عقاید این رهبر جسور

کارگران جهان متحد شوید!

دور جدیدی از تقابل با سرمایه شده‌اند، تقابلی که اجتناب ناپذیر و در عین حال نویدبخش است. راه خود را از حزب "کارگر" بریتانیا کم کم جدا میکند و کل بورژوازی بریتانیا از محافظه‌کارتر گرفته تا جناح چپ بورژوازی همه در یک سنگر علیه کارگران قرار گرفته‌اند. این جنبش راهی جز پیشروی ندارد لذا باید وسیعا از آن حمایت کرد.

تلاش برای دستمزد مناسب و زندگی شایسته به عبور از این نظام ضد بشری سرمایه‌داری گره خورده است. طبقه کارگر بریتانیا نیز راه دیگری جز عبور از این نظام استثمارگر و سودجو ندارد، همچنانکه کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان ایران نیز در این مسیر پا گذاشته‌اند. مبارزه برای به زیر کشیدن سلطه سرمایه و برقراری نظام سوسیالیستی امر کل طبقه کارگر است.

سعید آرمان

جمعه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲

## آغاز اعتراضات قدرتمند کارگری در بریتانیا

سعید آرمان

توصیف میکند: دولت می‌گوید که افزایش دستمزدها منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود در صورتیکه این کاملاً بی‌معنی است بلکه سودجویی و حرص و ولع سرمایه‌داران قیمت‌ها را افزایش میدهد نه اینکه افزایش دستمزدها. تمام کسانی که در بخشهای خدمات درمانی، سالمندان، خدمات شهرداریها در چند سال گذشته کار کرده‌اند، به سطح حقوقهایشان حمله شده و این دور معیوبی است و باید بالانسی وجود داشته باشد. حقوقهای ما ناکافی و سود آنان سرشار.

مذاکرات نفس گیر اما بی نتیجه مابین اتحادیه‌های کارگری آر ام تی و کارفرمایان قبل از اقدام به اعتصاب در جریان بوده و دولت به نمایندگی از کارفرمایان علیه کارگران شاخ و شانه می‌کشند بویژه وزیر ترانسپورت بریتانیا Grant Shapps در اوج وقاحت در پاسخ به خبرنگار بی بی سی می‌گوید که در دولت تونی بلی هم که اعتصاب آتش نشانی صورت گرفت بلر با آنان مذاکره نکرد و همینطور گوردن براون از حزب کارگر با کارگران پست مذاکره نکرد. در مجموع گرانت شاپس می‌خواهد به این اعتراض عظیم سه دهه اخیر پاسخ ندهد اما اتحادیه آر ام تی همراه با سایر اتحادیه‌های کارگری مصمم هستند تا حصول توافق عقب نکشند. این اراده جمعی را در سخنرانیهای نمایندگان اتحادیه‌های کارگری، معلمان، بخش آموزش و پرستاران در تظاهرات روز ۱۸ ژوئن به عینه مشاهده کردیم. تاکنون دولت و کارفرما بر ۳ درصد افزایش دستمزد پافشاری میکنند و اتحادیه کارگران بر ۷ درصد. آنان خواهان لغو (بازخرید) اخراج ۲۵۰۰ کارگر بخش فروش تیکت و غیره راه آهن هستند.

روند کنونی بعد از پاندمی کرونا گوی کارگران و اقشار کم درآمد جامعه را بشدت فشارده است. گرانی سرسام آور گاز و برق و مایحتاج زندگی جامعه بریتانیا را دچار شوک کرده است. کمپانی نفت و گاز "شل" تنها در سه ماهه اول سال جاری ۷,۲ بلیون سود برده است که تقریباً در سال مبلغی حدود ۳۰ بلیون خواهد بود. این شکاف عمیق مابین سرمایه‌داران و کارگران قطعاً بی‌پاسخ نخواهد ماند و ما شاهد موج دیگری از گسترش اعتراضات و اعتصابات در بخشهای دیگر از جمله معلمان، پرستاران، آتش نشانی‌ها و غیره خواهیم بود.

بورژواها تمام هستی جهان موجود از نیروی کار کارگر گرفته تا طبیعت و محیط زیست را به خدمت خود گرفته و به خاطر حرص و ولع سیری ناپذیرشان جهان را به تباہی می‌کشاند. از جنگ های امپریالیستی ایشان تا سرشکن کردن مخارج این جنگهای بی ربط به بشریت بر گرده طبقه کارگر، نمونه بارز آن سرازیر کردن میلیاردها پوند و دلار به اکراین و تداوم یک جنگ ویرانگر که هزینه آنرا طبقه کارگر بریتانی، آمریکا و سایر نقاط جهان باید تحمل کنند. بوریس جانسون و جو باید به خزانه مردم دست می‌برند و از کیسه خلیفه می‌بخشند و آنگاه که کارگران دستمزد مناسب و زندگی شایسته انسانی را مطالبه کنند در مقابلشان ایستادگی می‌کنند. کارگران بریتانیا بعد از پاندمی کرونا وارد

### رژیم در مانده، اعتراضات گسترده، نقش و

#### موقعیت احزاب

سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاپ هاوس - اتاق

#### نقد و نظر

تحولات سیاسی ایران است. حمید تقوایی و ابراهیم علیزاده هرکدام در جریان سیاسی مربوطه شان نقش کلیدی در اتخاذ این سیاست دارند. به همین دلیل هر یک از آنها هم میتوانند در سد کردن این سیاست مضر به حال جنبش سرنگونی نقش ایفا کنند. در هر حال ادامه این سیاست همگرایی با راست به شدت مضر است. علاقمندم در دور دوم بحث توضیحات این دوستان را بشنوم.

\*\*\*

( این سمینار در تاریخ بیست و نهم خرداد ۱۴۰۱ - (نوزدهم ژوئن ۲۰۲۲) در کلاپ هاوس، اتاق نقد و نظر با حضور حمید تقوایی، ابراهیم علیزاده و رحمان حسین زاده برگزار شد. آنچه مطالعه کردید، دوراول بحث ارائه شده از رحمان حسین زاده در آن سمینار است. در جریان کتبی کردن مبحث، با حفظ مضمون سیاسی بحث ارائه شده، تدقیق هایی صورت گرفته است)

\*\*\*

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!





مبارزات معلمان و بازنشستگان و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال و اعتراضات توده ای و در مقابل ما نیروهای سوسیالیست و کمونیست اینست که به طور عاجل رهبری رادیکال و کمونیستی جنبش سرنگونی و مبارزات کنونی را باید تامین کنیم. در رابطه با این مسئله قبلترها و اکنون هم عده ای ما را به

خیابانی متهم میکنند، اما همین روزها همین ادعا را از رضا پهلوی و اپوزیسیون راست مطلقاً بی ربط به مبارزات کارگری و توده ای و آلترناتیو راست ضد کارگری می پذیرند، اما ما کمونیستها را به ذهنی گری متهم میکنند. لذا ناچارم بر داده ها و امکانات عینی تامین رهبری رادیکال و کمونیستی مجدداً تاکید کنم و بگویم بر واقعیتهای اساسی زیر مکی هستیم.

**الف:** ابراز وجود چند ساله اخیر جنبش کارگری سرزنده و جنبشهای اجتماعی رادیکال که در دو رکن مهم و تحول ساز این دوره، اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای شهری با برجستگی ابراز وجود کرده اند. اینها نقطه قدرت جنبش ما و اسکلت اصلی جنبش سرنگونی بر خاسته از اعماق جامعه و در حال گسترش و استمرار را تشکیل میدهند.

**ب-** اتکاء به سطحی از رهبران رادیکال کارگری و توده ای. رهبران و فعالینی که فعلاً دامنه عمل آنها محلی به نظر میرسد، اما با تغییر تناسب قوا ظرفیت ابراز وجود سراسری را پیدا میکنند.

**ج-** اتکاء به درسها و تجارب چهار دهه اخیر جنبش کمونیستی و کارگری ایران. از بطن انقلاب ۵۷ مارکسیسم انقلابی قد علم کرد و تأثیرات غیرقابل انکاری را در جنبش کارگری و کمونیستی ایران به جای گذاشت. پرچم صف بندی مستقل طبقاتی و سوسیالیستی را برافراشت. بر جنبش چپ ایران تأثیرات مثبت گذاشت و نگرش و سیاست تعداد قابل توجهی از نیروها و سازمانهای چپ که فی الحال فعالیت دارند، را تغییر داد و با پیدایش کمونیسم کارگری و تحزب آن، قطب کمونیستی کارگری شکل گرفته مهمی را داریم. من فکر میکنم جنبش کمونیستی و کارگری مکی به رهبران و فعالین پخته و با تجربه در این دوره است. بخش مهمی به شکل متحزب و بعضاً هم غیر متحزب فی الحال تأثیرگذارند و در مسیر تحولات و با گشایش بیشتر اوضاع نقش موثر خود را ایفا خواهند کرد. کمونیسم متشکل و متحزب این دوره و از جمله حزب ما به اینجا تعلق دارد، تأثیرگذار بوده و خود را برای ایفای نقش آماده کردیم.

**د-** فاکتور مهم دیگر تناسب قوای در حال تغییر به نفع جنبش کارگری و کمونیستی و به ضرر جمهوری اسلامی است. آلترناتیو کارگری و کمونیستی در تناسب قوای مساعدتر کل پتانسیل دگرگون ساز خود را به میدان میکشد، فضای سیاسی را انقلابی میکند و این مولفه بسیار مهمی به نفع مبارزه ما است. مجموعه اینها فاکتورهای مهم نقطه اتکای آلترناتیو کارگری و کمونیستی در راستای تامین رهبری رادیکال مورد نیاز عاجل تحول انقلابی این دوره است. جریان کمونیستی

## رژیم درمانده، اعتراضات گسترده، نقش و موقعیت احزاب

سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس - اتاق

### نقد و نظر

با تشکر از برگزار کنندگان و با سلام به دیگر دوستان پانلیست و حضار در جلسه!

در این فرصت من هم از جنبه تحلیلی مبحث میگذرم، قبلاً در این مورد صحبت کردیم و در فرصتهای دیگر هم میتوان به آن دوباره پرداخت. با این سؤال میخوام بحث را شروع کنم، که صورت مسئله اصلی تحولات سیاسی ایران در این مقطع و در بطن دور جدید اعتراضات توده ای جاری (خرداد ۱۴۰۱) چیست؟ پاسخ من در یک جمله اینست، "گسترش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و مقاومت رژیم در مقابل آن. به معنای دیگر کشمکش بر سر قدرت سیاسی است". این کشمکش سه طرف دارد. یک طرف جمهوری اسلامی که با چنگ و دندان میخواهد قدرت و حاکمیت سیاه خود را حفظ کند، طرف مهم دیگر جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و مردم جان به لب رسیده و بیخاسته و نیروهای رادیکال و کمونیست و در واقع قطب چپ جامعه که میخواهیم با سرنگونی جمهوری اسلامی، قدرت را بگیریم و سرنوشت جامعه را رقم زنیم و طرف سوم، نیروها و جریانات بورژوازی و راست که آنها هم برای گرفتن قدرت سیاسی خیز برداشته اند. تحرک اخیر راست پروغری و رضا پهلوی در این رابطه است.

در این جدال همانطور که در عنوان این سمینار آمده با رژیم درمانده ای روبرو هستیم. حکومتی تماماً به بن بست رسیده که اینجا لازم نمیدانم در مورد ابعاد مختلف بن بستها و معضلات لاینحل این حکومت صحبت کنم. اگر رژیم درمانده است که هست، این سؤال مطرح است، پس چرا هنوز هست؟ پاسخ من اینست که این دلیل چون نیروی آلترناتیو، جنبش و نیروی انداختن جمهوری اسلامی هنوز در موقعیت زدن ضربه نهایی به این رژیم فرسوده نیست. معنایش اینست، جنبش سرنگونی هنوز با محدودیتها و موانع جدی روبرو است که لازمست بسرعت برطرف شود.

### محدودیتها کدامند؟

بگذارید از این عادت عبور کنیم که لیست بلندی از محدودیتها و موانع را ردیف کنیم. مثلاً کسی میتواند بگوید هنوز تناسب قوا به اندازه کافی مساعد نیست و یا هنوز سرکوبگری جمهوری اسلامی مانع مهم است. اینها جنبه های مهمی از واقعیتند و موارد دیگری را هم میتوان برشمرد. به گمان من اما این شیوه لیست کردنها ما را به پاسخ محوری مسئله نمیرساند. به نظر من در مقطع کنونی و در تناسب قوای کنونی که صحبت میکنیم، مسئله رهبری و عدم تامین رهبری رادیکال و سوسیالیستی در جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه گره اصلی است. در نتیجه صورت مسئله کلیدی در مقابل جنبش کمونیستی و کارگری، به طور مشخص در مقابل فعالین کارگری رادیکال و کمونیست، فعالین آگاه و کمونیست

اینچنین رهبری است.

## رژیم در مانده، اعتراضات گسترده، نقش و

### موقعیت احزاب

سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس - اتاق نقد

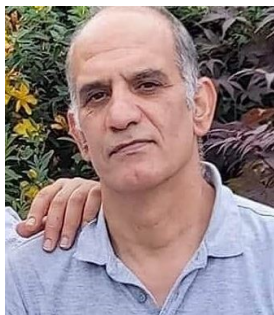
#### و نظر

درون طبقه کارگر و کمونیستهای متحزب به عنوان پایه های مهم آلترناتیو کارگری و کمونیستی بر اساس این داده ها لازمست جنبش سرنگونی و حرکت سلبی و نفی جمهوری اسلامی را هدایت کنیم. در این راستا به دست گرفتن پلاتفرم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بسیار مهم است. این دستاورد مهمی است که حزب ما و پنج جریان دیگر پنج سال قبل در کنفرانس استکهلم چنین پلاتفرمی را تدوین و ارائه کردیم. جنبش سرنگونی صاحب پلاتفرمی رادیکال و شفاف است، با خلاقیت باید آن را جا بیندازیم.

یک مولفه مهم دیگر به اعتقاد من سروسامان گرفتن شبکه رهبران و فعالین کارگری و توده ای متحد و هماهنگ شده در بطن اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، در بطن جنبش سرنگونی است. بنا به فاکتورهای واقعی اینکار شروع شده، اما وقت آنست، بسیار هدفمندتر این حرکت را به نتیجه موثر رساند. دست در دست هم گذاشتن رهبران و فعالین کارگری با رهبران و فعالین دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال، از جمله معلمان و بازنشستگان و به ویژه فعالین و سازماندهندگان همین تظاهراتها و اجتماعات پرشور خیابانی در سطح هر شهر و هر استان و در سراسر کشور تعیین کننده است. آن هم در شرایطی که خواسته ها و شعارهای موجود مشترک بین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی توده ای، از جمله خواست "بهبود معیشت و سلامت و اداره شورایی"، "پایاخواستن علیه تبعیض" و "پافشاری بر "آزادی زندانیان سیاسی" و برجسته شدن شعار "رفتن جمهوری اسلامی" اساس اتحاد و همگامی اعتصابات کارگری و جنبش اعتراض توده ای را ممکن میکند. یک وجه تکمیل کننده رهبری رادیکال پاسخگوی اوضاع پیچیده کنونی، عجین شدن هر چه بیشتر رهبری جریانات کمونیستی با همین شبکه رهبران و فعالین کمونیست در داخل است. ما به مثابه کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست هم در گذشته و تاکنون در این رابطه فعالیت کردیم و هم اکنون با فوکوس بیشتر در راستای تامین رهبری کمونیستی تلاش میکنیم. با تغییر تناسب قوا کادرهای رهبری جریانات کمونیست و حزب ما در بطن مبارزات جاری همگام عملی شبکه رهبران اعتراضات جاری خواهیم بود و در چنین چشم اندازی رهبری پاسخگوی اوضاع پیچیده کنونی عروج میکند. رهبری که با ابتکارات متنوع سازمانگری متحد کننده مقطعی و یا پایدار پیشبرد جنبش رادیکال را میتواند عملی سازد، به نظر ما جنبش مجامع عمومی را در مراکز کار و در محلات و در میان معلمان و هر بخش معترض جامعه سازمان دهد و به این ترتیب سنگ بنای سازماندهی شورایی را محکم کند. در هر مقطع با تشخیص درست تناسب قوا، تاکتیک و اقدامات منطبق با اوضاع را به دور از ماجراجویی و یا محافظه کاری در پیش بگیرد. گسترش و استمرار جنبش سرنگونی به منظور وارد کردن ضربه نهایی به جمهوری اسلامی که در ابتدای صحبتتم اشاره کردم، در گرو تامین

عروج رهبری رادیکال و چپ و کمونیستی در عین حال یک خطر بزرگ را از بالای سر جامعه و جنبش سرنگونی کنار میزند. آن هم خطر دست بالا پیدا کردن رهبری بورژوازی و راست در جنبش سرنگونی است. کاری که همین الان اپوزیسیون راست پروغری مرکب از مشروطه خواه و جمهوریکوخواه به طور جدی به آن مشغولند. اگر بخواهیم تجربه تلخ مقطع انقلاب ۵۷ تکرار نشود. اگر بخواهیم در انقلاب آزادیخواهانه کارگران و مردم، بار دیگر آلترناتیو ارتجاعی و راست را به عنوان رهبر به آن تحمیل نکنند، راه دیگری در مقابل ما کارگران و آزادیخواهان و کمونیستها غیر از تلاش جانانه و هدفمند برای عروج دادن رهبری رادیکال در مقابل رهبری راست و ارتجاعی وجود ندارد. یکبار دیگر باید تاکید کنم، "رهبری همه باهمی و واحد" در جنبش سرنگونی نه تنها توهم مضر، در عین حال غیر ممکن و به شدت ضد کارگری و ضد مردمی و علیه منافع کارگران و مردم بیخاسته است. اینجاست که نیروهای چپ و کمونیست متعهد و روشن بین در داخل و خارج، متشکل در احزاب یا فعلا منفرد علاوه بر هدایت قاطع و سازش ناپذیر سرنگونی جمهوری اسلامی، یک لحظه از ترسیم تفاوت و تمایز و تقابل با آلترناتیو راست و نیروهای راست ارتجاعی نباید کوتاهی کنیم. این یکی از محوری ترین وظایف ما در مسیر تضمین رهایی و آزادی از سلطه کاپیتالیسم و حاکمیت جمهوری اسلامی است. غفلت در این زمینه خطای بزرگ و نابخشودنی است. به همین دلیل من فکر میکنم مجاز نیستیم تحرک اخیر راست بورژوازی پروغرب را از جمله حول رضا پهلوی دست کم بگیریم. من فکر میکنم در آینده تحولات سیاسی ایران، احیای حکومت سلطنتی و شاهی بسیار بعید و تقریباً غیر ممکن است که فرصت پرداختن به دلایلیش در اینجا نیست، اما کل ترند اپوزیسیون راست و امکانات و تحرک آنها را نباید دست کم گرفت و برای خنثی و منزوی کردن کارکرد سیاسی و عملی شان لازمست مجدانه بکوشیم. ترسیم مداوم تمایز بین آلترناتیو راست و چپ در بطن مبارزات جاری بسیار تعیین کننده است. مشابه کاری که چند سال قبل کارگران هفت تپه در جریان اعتصاب و اعتراضاتشان اعلام کردند، "ملی گراها و ناسیونالیستها خود را به ما نچسپانند". در این رابطه به ویژه نیروهای چپ و کمونیست نقش ویژه و حساسی داریم. حزب ما همواره و اکنون هم خود را در صف مقدم تقابل با نقشه و تحرک آلترناتیو راست میدانند. به علاوه در اقدام مثبتی اخیراً شورای همکاری شش جریان چپ و کمونیست علیه "رهبر سازی آلترناتیو راست" موضع گرفتیم و اما هنوز مطلقاً کافی نیست.

در راستای وظایف حساس نیروهای چپ در این دوره، درست میدانم اینجا و رو در رو، خطاب به حمید تقوایی و ابراهیم علیزاده نقد و ملاحظه خودم و حزب ما و خیلی های دیگر در قطب چپ را نسبت به سیاست و کارکرد حزب کمونیست کارگری تحت مسئولیت حمید تقوایی و کومه له تحت مسئولیت ابراهیم علیزاده را مطرح کنم. این یک مشاهده آشکار و غیر قابل انکار است که در سطح سراسری حزب کمونیست کارگری ایران با مسئولیت حمید تقوایی نه سیاست ترسیم تمایز با اپوزیسیون راست، بلکه همگرایی و همراهی با جنبشها و جریانات و چهره های راست، و در کردستان هم کومه له با مسئولیت ابراهیم علیزاده همگرایی و همراهی با جریانات ملی و ناسیونالیست را در پیش گرفته اند. این سیاست و پراتیک دو جریان لطمه جدی برای قطب چپ در دوره سرنوشت ساز آینده



سرکوب اسلامی برای تامین امنیت فردای "ایران آزاد" تاکید می کند. آیا با حفظ قوای سرکوب که جزء اصلی ترین ارکان هر حکومتی است می شود باز ادعای سرنگونی طلبی کرد؟

اما شگرذ رضا پهلوی برای عوامفریبی تکرار اسلوب نخ نمای خمینی در قالبی نوین است. اتحاد ملی مد نظر رضا پهلوی از جنس وحدت

کلمه خمینی است؛ با همان قصد و اهداف شوم بلکه بدتر. حقیقت این است درست زمانی که رضا پهلوی به مردم خصوصا کارگران پیام می فرستد همانند خمینی پشت درهای بسته با هم پالکی هایش در حاکمیت مشغول مذاکره و بده و بستان است. آنچه بورژوازی را یک روز استعفاطلب، روز دیگر انحلال طلب و دست آخر برانداز با حفظ قوای سرکوب می کند از منفعت مادی در حفظ ارکان اصلی همین حکومت مایه می گیرد به راستی کدام طیف از این جماعت هزار رنگ اپوزیسیون بورژوازی را سراغ دارید که بند نافش به نحوی با بخشی از این حکومت نکبت قرون وسطایی گره نخورده باشد. حتی شخصیت های اصلی محفل منحن فرشگرذ به مثابه فاشیست ترین جریان بورژوازی که داعیه سازش ناپذیری با حکومت را دارد عقبه اسلامی دارند که حالا مثل بوقلمون رنگ عوض کرده اند.

چنانکه گفته شد نه فقط برای انقلاب کارگری که حتی برای سرنگون ساختن همین حکومت اسلامی نیز راهکار همبستگی طبقاتی است و نه اتحاد ملی. کدام اتحاد ملی؟ این فقط و فقط توده های کارکن و زحمتکش جامعه هستند که در واژگون ساختن تمام و کمال و بنیادین حکومت اسلامی ذینفع هستند. تنها طبقه ای "می تواند" خواهان جنگ تمام عیار و بی اما و اگر با حکومت اسلامی است که آرمانش تحقق آزادی و برابری باشد. طبقه ای که از مسلح شدن توده ها نهراسد.

پرواضح است که جنگ بی امان کارگران و زحمتکشان باید با حکومت اسلامی باشد و نه اپوزیسیون بورژوازی، با این همه افشای بی وقفه و بلاانقطاع طرح و توطئه های این اپوزیسیون فرصت طلب، همانقدر ضروری است که جنگ با حکومت اسلامی. اگر قرار نیست جانفشانی های کارگران و زحمتکشان از مشروطه تاکنون این بار هم تکرار تراژیک از چاله به چاه افتادن باشد لازم است صفوف خود را متحد کنیم و از متوهم شدن به دشمن طبقاتی بپرهیزیم.

\*\*\*\*

کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

## مسیر سرنگونی از همبستگی طبقاتی می

### گذرد و نه اتحاد ملی

جاوید حکیمی

در سیاست هیچ چیز فریبنده تر از این نیست که طبقاتی بودن جامعه را انکار و همواره هدف واحدی را برای احاد آن در نظر بگیریم. مارکسیزم به ما می آموزد که جامعه به طبقات متخاصم تقسیم شده و موتور محرکه تاریخ، جدال همین طبقات است. اگر اینطور است که هست پس چگونه می شود کارگر و کارخانه دار دست در دست هم میهن خویش را کنند آباد؟ چگونه ممکن است کارگر و سرمایه دار دشمن مشترک داشته باشند و برای پیروزی بر او ولو موقت با هم متحد شوند؟ این دشمن مشترک که هم با طبقه کارگر دشمن است و هم با طبقه سرمایه دار، خودش جزء چه طبقه ای است؟ آیا بورژوازی انقدر خام و احمق است که به خاطر سرنگون کردن طیفی از خانواده خویش، با کارگران متحد گردد؟

این کاملاً معقول و منطقی است که اقلشار مختلف و معترض جامعه برای سرنگون کردن حکومت نکبت اسلامی، کوشش نمایند تمام قوا را علیه دشمن مشترک متحد کنند. لیکن اگر طبقه کارگر تصور کند اپوزیسیون بورژوازی در این راه همراه و همسو با او خواهد بود فقط خود را فریفته و عاقبت به شر کرده است. تمام تجارب تاریخی گواهی می دهد که هیچ اپوزیسیون بورژوازی علیه خانواده خود با طبقه کارگر متحد نخواهد شد مگر برای گوشت دم توپ کردن آنان. بورژوازی در مقام اپوزیسیون با هر درجه اختلاف با جناح مسلط، محال است حاکمیت را تمام و کمال سرنگون کند تا بعد مردم در یک پروسه کاملاً دمکراتیک، نظام اقتصادی و ساختار سیاسی مطلوب خود را انتخاب نمایند.

نه خمینی طرفدار واژگونی تمام و کمال رژیم شاه بود و نه جناب رضا پهلوی اکنون خواهان سرنگون ساختن حکومت اسلامی. شعار ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست در واپسین ماههای حکومت شاه، گواه بند و بست پنهانی اپوزیسیون اسلامی و ارتش شاهنشاهی با وساطت امریکا بود. اگر ساواک، ارتش و کل دستگاه سرکوب شاهنشاهی را بخشی لاینفک از حکومت وقت بدانیم در آن صورت آنچه در آن زمان میان بورژوازی جهانی و داخلی توافق شد قربانی کردن تاج و تخت خاندان پهلوی بود و نه کلیت حکومت. با رفتن شاه و آمدن خمینی، امر بر توده ها مشتبه شد که حکومت را سرنگون ساخته اند حال آنکه بازجوهای ساواک شاهنشاهی در کمین دیدار دوباره انقلابیون نشسته بودند. دستگاه سرکوب شاه که این بار زیر عباي خمینی خدمت می کرد از روی لیست، تمام زندانیان سیاسی را دوباره دستگیر و این بار به جوخه اعدام سپردند. آیا به راستی حکومت شاه سرنگون شده بود؟ اکنون نیز جناب پهلوی به اعتراف خود نه فقط با سران سپاه و ارتش و بسیج ارتباط دارد بلکه به ضرورت ابقای دستگاه

زنده باد همبستگی مبارزاتی کارگران!



و کمونیسم کارگری ضربات سنگینی خورد. اما بخش اعظمی از برابری طلبان، زنان و جوانان آزادیخواه که از سرکوب، دستگیری، شکنجه و موج اعدامهای دستجمعی اسلامی جان سالم بدر بردند در عرصه های متفاوت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی محیط زیستی برای مقاومت و تحقق تغییرات وسیع اجتماعی خود دست از کار نشستند و چه در داخل و چه در خارج، جمهوری اسلامی را سانتیتر به سانتیتر مجبور به عقب نشینی کردند.

## جمهوری سوسیالیستی آترناتیو ماست!

نادر شریفی

"بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور می چسبد و حلقه بعدی آن است." منصور حکمت ۲۰ سال گذشت: ۳۰ خرداد ۶۰

با آغاز و پیشرفت انقلاب پنجاه و هفت و شرکت بخش اعظم جامعه در بزیر کشیدن حکومت سلطنتی، بنظر می آمد که طومار دوران ارباب و رعیت، شاهزاده و گدا زاده، "سلطنت خونی"، حکومت قومی و قبیله ائی یکبار برای همیشه در جامعه ایران بسته می شود. اما با نزدیک شدن سرنگونی حکومت "سایه خدا" توسط جامعه خواهان آزادی و بالادست پیدا کردن چپ در جامعه، دستگاههای فکری و امنیتی جهان سرمایه در فقدان حزب متشکل، آگاه و مدبر کمونیستی کارگری متوجه شدند که حکومت پهلوی دیگر قادر به سرکوب جنبش انقلابی مردم نیست، برای همین بفرار چاره افتادند و پس از مشورتهای فراوان در اتاقهای فکری غرب موفق شدند با بکارگیری اسلام سیاسی و نماینده ارتجاع کپک زده آن، خمینی، جامعه را باری دیگر به بند بربریت سرمایه و این بار از جنس اسلامی اش کشند. با سرکوب خونین ۳۰ خرداد، انقلاب ۵۷ به شکست کشیده شد و به این وسیله فرجام بزیر کشیدن نظام پوسیده سرمایه داری با بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی باری دیگر به تعویق افتاد.

جنبش ملی-اسلامی اما آن آترناتیو قابل استفاده ائی برای غرب بود که زیر دیکتاتوری حکومت آریامهری ضربه چندانی ندیده بود و حتی دارای شبکه های سراسری بخش علنی و بخش زیرزمینی چه در داخل ایران و خارج از ایران بود و می توانست بسرعت بجای دستگاه سلطنت کار سرکوب جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را به "نحو احسن" به پیش برد. بنابر این نماینده ارتجاع اسلامی، خمینی بزیر نورافکن مدیای غرب رفت. عکس اش در ماه مشاهده شد و دست آخر پسر محمدرضا، ولیعهد بی تاج اعلام کرد که بایستی به استقبال خمینی به عراق رفت و نه راه مدارا سلطنت با خمینی را بست. در نتیجه و در سایه حمایتهای لایزال غرب و جا باز کردن نظام سلطنت، ارتجاع اسلامی تحت نام انقلاب مستضعفان به قدرت نشاندند شد تا جامعه که حداقل بیش از یک صد سال برای آزادی و رفاه و زندگی شایسته مبارزه میکرد، را باری دیگر سرکوب و به عقب براند. در نتیجه و بلافاصله پس از بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی تعقیب، دستگیری، شکنجه و اعدام برنامه عاجل جمهوری حافظ سرمایه اسلامی شد. قتل عام زندانیان سیاسی ۶۰ و ۶۷ گویای تنها بخشی از جنون و بربریت اسلامیون برای حفظ قدرت و نظام سرمایه در سرکوب کمونیستها، آزادیخواهان، زنان و برابری طلبان بود.

روشن است با حمله همه جانبه جمهوری اسلامی به جامعه، چپ

در عرصه فکری، سیاسی و کمونیستی، منصور حکمت در جنبش کمونیسم کارگری تأثیرات خاص خود را بر مبارزات انقلابی کارگری و مردمی جامعه امروز ایران گذاشته است. مبارزات قدرتمند طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، مبارزات بی خدائی و ضد دینی، مبارزه با ناسیونالیسم و فرقه گرایی، ممنوعیت اعدام، حقوق کودک و ... امروز در ایران از جمله جنبشهای عظیم اجتماعی اند که ریشه در اعماق جامعه دوانده اند و بسادگی قابل خشکانده شدن نیستند. یک تأثیر دیگر مبارزات فکری و اجتماعی جنبش کمونیسم کارگری در دخالت دادن هرچه بیشتر اعضای جامعه، حتی در احزاب و سازمانهای سیاسی، در امور و مبارزات سیاسی-اجتماعی خود است. چرا که در نظام فردگرا و خونی سلطنت و از نظر قوانین قرون وسطائی جمهوری اسلامی زحمتکشان و توده مردم، "ملت" و "امت"، فرمانبرانی بیش نیستند که "قائم به ذات" به اطاعت و فرمانبری از شاه و ولی فقیه مکلف می باشند. بنابر این طبقه کارگر ایران که پنج دهه برای انباشت سیری ناپذیری سرمایه "وطنی" و بیش از چهاردهه برای انباشت سرمایه با رپوش اسلامی شبانه روز کار کرده و زیر قانون بهره کار روز مزدی خورد و شکسته شده است، نه در جامعه سلطنتی و نه در "دوزخ اسلامی" راه برون رفتی ندارد به غیر از اینکه برای تحقق خواسته های خود، نظامهای حافظ سرمایه را در کلیت بزیر کشیده و حکومت کارگری خود را اعلام کند!

### در تدارک بزیر کشیدن نظام حافظ سرمایه اسلامی

اعتراضات و قیامهای مردمی ۹۶ و ۹۸ نمونه بارز تلاش یک جامعه در ادامه انقلاب ۵۷ برای پایان دادن به نظام حافظ سرمایه اسلامی بود که جمهوری اسلامی توانست با شقاوت مخصوص بخود و با شیوع پاندمی کرونا این قیامهای اجتماعی را حداقل برای مدت کوتاهی به عقب راند.

اما امروز هنوز پاندمی کرونا به پایان واقعی خود نرسیده که اعتراضات و اعتصاب کارگری، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و آزادیخواهان باری دیگر با قدرت و آنهم در اقصی نقاط کشور سرباز زده است. "هانا آرنه" وضعیت چنین جوامعی را به شیر در حال جوشی مقایسه میکند که پانزده ثانیه قبل از بجوش آمدنش، بنظر همه چیز آرام میرسد! امروز اعتراضات مردمی در ایران نشان دهنده آن آتشفشانی است که هر لحظه میروند کل جمهوری اسلامی و با آن نظام حافظ سرمایه را خاکستر کند و به عمر حکومت توحش سرمایه پایان دهد. روشن است صاحب نظران فراوانی چه از چپ و چه از راست با اشاره به قیامهای مردمی حاضر گمانه زنی می کنند که جمهوری

## جمهوری سوسیالیستی آترناتیو ماست!

نادر شریفی

اسلامی پایان سال ۱۴۰۱ را نیز نخواهد دید.

بنابر این امروز و باری دیگر می‌رود که پنجره تعیین و تکلیف قدرت سیاسی در جامعه باز و صف طبقه کارگر در مقابل کل نظام سرمایه در جنگ طبقاتی متمایزی نمایان شود. امروز و همانطور که انتظار میرفت، دو جنبش عظیم اجتماعی به نمایندگی از دو طبقه جامعه در سرنوختی جمهوری اسلامی و آینده نظام جامعه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. یک جنبش سوسیالیستی و کارگری که نیرویش را از مبارزات انقلابی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب بدست می‌آورد و جنبش پروغرب که همیشه در مقابل طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی اش قرار داشته و امروز و بنابر مقدوراتش لباس انقلابیگری و مردم گرایی برای سرکوب طبقه کارگر به تن کرده است. این دو جنبش واقعی و موجودند! "نه شاه می‌خواهیم نه ملا، حکومت بدست شورا" و "رضا شاه، روحت شاد" بیان کننده واقعیتهایی است که ما مدتها از وجود این دو جنبش اجتماعی که تبلور آن در احزاب و سازمانها در جنبش هایشان متبلور شده اند، سخن بمیان آورده ایم.

بناچار از آنجا که جامعه خواهان تحولات عمیق اجتماعی و بنابر این انقلابی است، جنبش پروغرب امروز هم اجبارن تا مرز "نه به جمهوری اسلامی و اعلام سرنوختی" هم به پیش رفته است. این جنبش نه تنها انقلابی نیست، بلکه بشدت ارتجاعی است. امروز این جنبش چندی است، موضع اپوزیسیون سرنوختی طلب بر علیه جمهوری اسلامی را بخود گرفته است. اما اگر ادعای آزادیخواهی و آزاد اندیشی میکند، اگر ادعای مردم دوستی و احترام به آرای مردم را دارد، تنها برای به بیراه کشاندن جامعه و دستیابی به قدرت و استحکام پایه های حکومتی خود و حفظ نظام سرمایه و در نهایت سرکوب طبقه کارگر و جنبش کمونیستی کارگری همانند ۱۷ شهریور جمعه سیاه ۵۷ است. این جنبش، با جنبش ملی-اسلامی اختلاف و دشمنی جدی ندارد. برادر یکدیگرند، از یک جنس اند! موضوع شان در قدرت بودن و تضمین حاکمیت سرمایه در ادامه چپاول جامعه است. غرب نیز پس از اینکه مطمئن شود حکومت اسلامی دیگر قابل دفاع و رفتنی است، بطور حتم بدنبال آترناتیو تراسی در بین آنان بر خواهد آمد، چرا که هم سابقه حکومت در بارگاه نظام سرمایه داری را در کارنامه شان دارند و هم در سرکوب چپ و کمونیست کشتی ید طولانی دارند. دستشان هم سرمایه هنگفتی از غارت ثروت شده از طبقه کارگر ایران قرار دارد و هم حمایت ناتو و غرب را پشت سر خود خواهند داشت و بنابر این مجموعه ائی از احزاب راست، ناسیونالیست، فاشیست و ثروت و قدرت پرست پشت سر آترناتیو ممکن این جنبش به صف خواهند شد. این جنبش پتانسیل بزرگی در بده بستان با جهان غرب برای سرکوب دوباره جنبش کارگری و توده ائی در ایران دارد و قابل انتظار است که در دشمنی با چپ، اسلاميون، ملی گرایان، احزاب پرو غربی در شکلی از اتحاد (هرچند شکننده) با یکدیگر متحد شوند. اینکه آیا شخص رضا پهلوی آترناتیو غرب و گوادالوپ دو خواهد بود؟ و یا نه؟ امری است، بدوی.

امروز طرف دیگر، طبقه کارگر و جنبشهای زیر مجموعه او، بخصوص معلمان، بازنشستگان، پرستاران، زنان و دانشجویان به گواه همگان، دست بالا در مبارزات سرنوختی طلبانه علیه

جمهوری اسلامی را دارا هستند که خواهان حکومت خود، حکومت کارگری و برقراری شوراهای مردمی خود می باشند. رسیدن به این خواسته ها اما تنها، با رفتن این حکومت و آوردن یک حکومت مشابه نخواهد بود. برای دستیابی به آزادیهای وسیع اجتماعی، برابری و حکومت کارگری می بایست نظام سرمایه، کار مزدی و مالکیت فردی را پایان داد! برای برابری کامل زن و مرد، باید فرهنگ زن ستیزانه و کالا صفتی و مالکیت مرد بر زن را در نظام برده داری سرمایه بزیار کشید. برای آزادی و رفاه طبقه کارگر و زحمتکشان و به این وسیله کل جامعه باید به کار مزدی پایان داد. برای رفاه و آسایش اکثریت اعضای یک جامعه باید به بهره کشی اقلیتی بر اکثریتی پایان داد. برای پایان دادن به هنر، ادبیات و فرهنگ فنودالی و نوکر صفت باید ریشه در اعماق جامعه برد، صنعت مذهب را به ورشکستگی کشاند و تحولات عمیق اجتماعی را هدایت کرد. بدون سوسیالیسم، امکان پیروزی و دستیابی به آزادی و برابری، رفاه و سعادت بشری ممکن نیست. بدون واژگون کردن نظام نابرابر سرمایه، نمی توان به کودکان کار و خیابانی آینده ائی درخور و سعادت مند هدیه کرد. بدون انقلاب کارگری، رهائی طبقه کارگر و بدین وسیله رهائی جامعه غیر ممکن است.

بنابر این باید جنبشهای ارتجاعی را با نه به کلیت جمهوری اسلامی مردود ساخت و آگاه بود که اگر تاریخ مبارزاتی عصر نوین جامعه ما، تاریخ صد و اندی ساله تلاش در بدست آوردن رهائی، خوشبختی و سعادت است، انقلاب کارگری بی آترناتیو است و ما هم، آن انقلابیونی هستیم که خواهان بشمر رساندن انقلاب کارگری حداقل از سالهای ۵۷ ایم! ما وارثان بشمر نرسیده انقلاب کارگری بر علیه نابرابری اجتماعی ایم. همه آنهایی که بعد از ۵۷ و یا در سپیده ۵۷ به دنیا آمده و والدینشان روزهای حماسی انقلاب کارگران صنعت نفت، مبارزات آزادیخواهانه مردم را دیده بودند، میدانند که تاریخ گذشته، تاریخ سلطنت و تاریخ تروریسم اسلامی به پایان رسیده و مردود است. تاریخ عصر نو، تاریخ مبارزات طبقه کارگر، چهار دهه مبارزات شورانگیز انقلابیون، تاریخ انسانهای آزاده انیست که پای چوبه دار رفتند ولی به حاکمیت سرمایه نه گفتند. تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر، تاریخ میلیونها انسانی است که جانشان را به خطر انداختند و برای ادامه مبارزه به پشت مرزهای حاکمیت اسلامی گریختند. تاریخ ما، تاریخ هشتاد میلیون انسانی است که صدها سال است، آزادی می خواهند و در تلاشی بی وقفه لحظه ائی در بزیر کشیدن دیکتاتوری سلطنت و جمهوری جنایت اسلامی و پایان نظام سرمایه داری از پای نه نشسته اند.

بازگشت به نقطه عقب، به کاریکاتور "سلطنت" و آترناتیوهای غرب و یا تداوم "ولی فقیه" با وجود جنبش سوسیالیستی حاضر طبقه کارگر، اگر هوشیار، متحد و متشکل باشیم، تقریبین غیر ممکن است و برآستی چه شکوهمند است که ما امروز باری دیگر شاهد سر برآوردن مبارزات عظیم اجتماعی طبقه کارگر برای تحقق انقلاب سوسیالیستی در ایران هستیم! هشیار باشیم و نگذاریم با آترناتیو تراسی، با بیراه بردن جنبش مان، با رهبر تراسی ما و آترناتیوسازی جنبش انقلابی طبقه کارگر را به بیراه و در نتیجه سرکوب کنند.

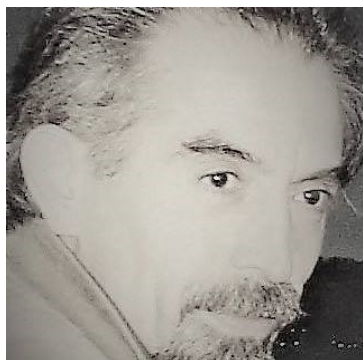
مرگ بر جمهوری اسلامی

نه به آترناتیوهای رنگ و وارنگ سرمایه داری

زنده باد انقلاب سوسیالیستی

\*\*\*\*\*

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



افتاده اند تا پیشاپیش و بصورت تعرضی بگویند که کارگران و کمونیستها با چه موجوداتی طرف هستند.

حزب الله در ظرفیت و ورژن جدیدی ظهور کرده است؛ بلاک واتر ایرانی فاشیست و آنتی کمونیست! ما شما را خوب می شناسیم، این خود خود بورژوازی است، این

فشرده و عصاره لیبرال دمکراسی ایرانی مورد ادعای رضا پهلوی است. امروز بورژوازی به هاردلاینرها نیاز دارد تا روی دوش آن جلو برود و اوضاع قدیم را با سپاه و بسیج و ارتش و خرافات مذهبی اش اعاده کند.

علی الحساب باید بگوییم که کور خوانده اید، کران تا کران کمونارد و زن و مرد آزاده در مقابل اهداف و سیاستهای ارتجاعی و فاشیستی تان ایستاده اند. پیام تان دریافت شد، جنگ تا جنگیم!

۲۱ ژوئن ۲۰۲۲

## افغانستان

### درد زلزله و درد عقب ماندگی قومی و مذهبی

زلزله در افغانستان مانند یک جنگ مهیب قربانی گرفته است. این صحنه ها برای مردم محروم در ایران و کشورهای دیگر آشناست. مردمی بی دفاع و بی حقوق و بی امکانات که همواره در گرما و سرما، در سیل و زلزله، در جنگ داخلی و خارجی، در فقر و فلاکت در می شوند. مردمی که اساسا سرشماری نمی شوند.

زلزله را میتوان مهار کرد و تلفاتش را به حداقل رساند. در همین نظام سرمایه داری این اقدام ممکن است و در کشورهای زلزله خیزی مانند ژاپن عملی شده است. اما در افغانستان و ایران و کشورهای مشابه، از موضع سرمایه جان انسانها بی ارزش است. برای امنیت و رفاه پول نیست اما برای تدریس و آموزش قرآن و خرافه و آخوند به وفور پول و امکانات هست.

روشن است مسبب این قتل عام جمعی مردم نظم سرمایه داری است که بخش مهمی از مردم و کارگران در جهان را به مرگ و نابودی محکوم کرده است. میشود خاک افغانستان را به توبره کشید و مردمش را زیر دست و پای مشت مرتجع و تروریست به این روز انداخت، نان و کار و حقوق و انسانیت شان را انکار کرد تا امثال مجاهدین و طالبان سلطنت کنند، اما ظاهراً تامین امنیت شهروندان و مسکن ایمن و حقوق فردی و اجتماعی برای آنها زیادی است.

درد قتل عام در اثر زلزله سنگین است چون میدانیم که میشد اینطور نشود و با لاقط چنین ابعاد فجیعی نداشته باشد. اما به همان درجه درد عقب ماندگی و ظرفیتهای آدمکشی و نفرت از

صفحه ۱۵

## هشدار در باره چماقداری ضد کمونیستی سلطنت طلبان

وقتی در ابتدای تشکیل فرسگرد گفتیم که این جریان پدیده ای از جنس بلاک واتر و اسکین هدهای فاشیست است که خودش جدی نیست اما میتواند موی دماغ مبارزه کارگری و سوسیالیستی باشد، سخن به گراف نگفته بودیم و تبلیغات نمی کردیم. هر کسی که روزانه نگاهی به پلانفرمهای سوشیال میدیا می اندازد باید متوجه یک روند جدید ادبیات نازل و تهدید به آدمکشی و قتل و تروریزه کردن فضای سیاسی علیه کمونیست ها و هر مخالف و منتقد سیاسی سلطنت طلبان و مشخصا رضا پهلوی شده باشد. کسانی که از هوس چپ سوزی و راه انداختن کوره آدمسوزی برای کمونیست ها حرف میزنند، افرادی که با ریکه ترین ادبیات و زشت ترین الفاظ عهد عتیقی به زنان حمله می کنند، کسانی که میگویند شاهنشاه اشتباه کرد که همه شما را از دم تیغ نگذراند، افرادی که وعده میدهند فرزندان پاسارگاردی بزودی دخل همه شما را خواهند آورد. نمونه ها از حد وفور انسان را به مضیقه می اندازد و هر مورد ایراد و انتقاد با موجی از تهمت و فحش و تهدید زمخت فیزیکی روبرو میشود که هر کدام از آنها در کشورهای بی نظیر فرمال و قانونی ذره ای برای امنیت شهروندان خود را مسئول میدانند میتواند با پیگرد حقوقی و قضایی مواجه شود.

سوال اینست که این فالانتریزم افسارگسیخته ضد کمونیستی چرا ضروری شده است؟ آیا اینها صرفاً بروز تعصبات مشت خشک مغز نوکر صفت است که حاضرند برای دفاع از رضا پهلوی دست به هر جنایتی بزنند و یا خطی آگاهانه برای نشان دادن ظرفیت های سرکوب کمونیسم و کارگر در فردای تحولات ایران است؟ بنظر این دومی است و این نه فقط به هشیاری و تقابل سیاسی جدی بلکه طرد چنین خط منحطی را برای هر نیرویی که ادعای کمترین آزادیخواهی را دارد ضروری میکند. دقت کنید ما در باره آزادی بیان و گفتن ناهنجارترین عقاید سخن نمی گوئیم بلکه داریم در مورد تهدید به آدمکشی و هجوم فالانتریزستی و چماقداری نوین هشدار میدهم.

ما تصریح کرده ایم که هر آلترناتیو بورژوازی در ایران باید این قابلیت ضد کمونیستی را داشته باشد و دستکم ظرفیت و تعهد به انجام آنرا را به اربابانشان نشان بدهد. همانطور که خمینی از جمله چنین تعهدی را به آمریکا داد و کار ناتمام رژیم شاه را تمام کرد. امروز اما در شرایطی متفاوت چماقداری ضد کمونیستی و تهدید به قتل و کشتار کمونیست ها و مخالفین سیاسی چپ بدون لکننت زبان و وقیحانه پمپاژ میشود. و جالب اینست که حامیان سلطنت و شخص رضا پهلوی مهر سکوت بر لب زدند، گوئی کسانی حرف دلشان را میزنند. زمانی این ظرفیتهای سناریوی سیاهی و ضد چپ را نیروهای قومی نمایندگی میکردند و سلطنت طلبان تلاش داشتند دل آنها را برای نجات گریه ایران بدست بیاورند. امروز خود حضرات جلو

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

## یادداشت‌ها

### سیاوش دانشور

همنوع سنگین است. از حقارت مذهبی که چنین جنایاتی را نشان خشم خدا میداند میگذرم. گوش ما از این لقه لقه های آخوندها پر است.

اما تصورش سخت است که ببینی بخشی دیگر از همین مردم روی جنازه بیش از هزار انسان بی دفاع و قربانی، پای بکوبند و خواهان نابودی همه مردم منتسب به یک قوم یا مذهب شوند. این درد عمیق تر و سنگین تر است.

عقب نگاهداشته شدن و عقب بردن جامعه افغانستان، روی دوش همین المنت های داخلی تحجر فکری و عقب ماندگی مذهبی و قومی ممکن شده است. سرمایه یکجا بی حقوق و دستجمعی نابود میکند، یکجا هم از زبان اقوام و مذاهب دیگر بر عمل خویش مهر تأیید میزند. در این میان قربانیان از دو سمت میخورند و قربانی نظام و جهل مرکب میشوند.

دل نوع من با مردم ستمدیده و محرومی است که بر اثر زلزله جان های شیفته عزیزانشان پر کشیدند و خانه های محقرشان روی سر آنها خراب شده است. اما در مورد کسانی که برای همسایه شان آرزوی مرگ میکنند، در باره کسانی که با نفرت پراکنی قومی و مذهبی تلاش دارند بر زخم مردم نمک بپاشند، چه میتوان گفت؟ این درد را به جایی نمیتوان برد، تنها باید با این افکار منحط و ضد جامعه و فاقد هر ذره مسئولیت اجتماعی تصفیه حساب جدی کرد.

۲۳ ژوئن ۲۰۲۲

# Capitalist poles' hands off people's lives!

حزب کمونیت کارگری ایران - حکمتیت  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

جنگ در اعتراض به دستگیری و بازداشت غیر قانونی و اتهامات واهی دستگاههای امنیتی و قضایی شیراز از مورخه ۱ تیرماه ۱۴۰۱ دست به اعتصاب غذای تر خواهم زد و چنانچه در مدت ۳ روز شرایط آزادی بدون قید و شرط اینجانب فراهم نگردد از مورخه ۴ تیرماه ۱۴۰۱ دست به اعتصاب غذای خشک خواهم زد. قابل ذکر است که ما خواسته های کاملاً مشروع و قانونی داریم که برای تحقق آنها حاضریم جان خویش را فدا کنیم، ضمناً مسئولیت هرگونه خسارت جانی به اینجانب بر عهده دادگستری استان فارس خواهد بود.

### فیروز موسی لو، زندانی سیاسی در زندان ارومیه اعدام شد

سحرگاه روز دوشنبه ۳۰ خردادماه، حکم اعدام فیروز موسی لو، زندانی سیاسی در زندان ارومیه به اجرا درآمد. آقای موسی روز شنبه ۲۸ خردادماه، از بند عمومی زندان ارومیه به مکان نامعلومی منتقل شده بود. فیروز به خاطر فقر خانواده، در شش سالگی مجبور شد فرشیافی را فرا بگیرد و شروع به کار کرد. وی در جایی زاده شد که باید از کودکی کار میکرد و کمک خرج خانواده میبود در اوج محرومیتها و فقر و تبعیض او تازه در زندان توانست خواندن و نوشتن را فرا بگیرد. آقای موسی لو پیشتر توسط بیدادگاه انقلاب ارومیه از بابت اتهام "محاربه از طریق عضویت در یکی از احزاب مخالف نظام" به اعدام محکوم و حکم صادره در زندان به وی ابلاغ شده بود.

### در ادامه ی فشار بر فعالان صنفی معلمان، محمدحبیبی ممنوع الملاقات شد

محمد حبیبی که در تاریخ ۱۰ اردیبهشت در آستانه روز معلم توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد، تا تاریخ ۲۳ خرداد در انفرادی بند ۲۰۹ اوین تحت بازجویی بود. پس از این تاریخ وی را به سلول انفرادی بند ۲۴۰ منتقل کردند و او را تحت فشارهای شدید بازجویی قرار داده اند. از زمان انتقال به بند ۲۴۰ تلفنهای وی که هفته ای یکبار بود، قطع شده است. روز ۱۴۰۱/۴/۲ نیز همسر محمد حبیبی با طی مسافت بسیار برای ملاقات به تهران آمد، اما در کمال تعجب در سالن ملاقات به او گفتند که محمد حبیبی ممنوع الملاقات است. گویا نیروهای امنیتی، در تلاشند که با نوعی از شکنجه، موسوم به شکنجه سفید (ایزوله کردن فرد زندانی)، معلمان زندانی را وادار به اعتراف علیه خود نمایند. این کار مخالف نص صریح قانون و قطعاً بر خلاف اصول انسانی است. لازم به ذکر است، از زمان بازداشت تاکنون حقوق این معلم زندانی قطع شده است.

### خبرفوری

سه نفر از اعضای انجمن معلمان سنندج، آزاد شدند. غیاث نعمتی بهزاد قوامی که چهارشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۱، در جریان گردهمایی اعتراضی قانونی معلمان سراسر کشور در سنندج بازداشت شده بودند، و همچنین رضا طهماسبی که دوشنبه ۳۰ خرداد بازداشت شده بود، امروز ۲ تیر ۱۴۰۱ آزاد شدند. شورای هماهنگی ضمن استقبال از آزادی معلمان در بند امیدوار است که با پایان دادن به روند پرونده سازی و آزادی معلمان در بند روندی عقلایی و قانونی در تصمیم گیری های کشور ایجاد شود.

\*\*\*

کارگران، کمونیست ها، به حزب حکمتیست پیوندید!



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

### مجتمع

بعد از اخراج کارگران این پروژه توسط شرکت آهن آجین در معدن سونگون که بیشترشان ساکن منطقه هستند، این شرکت با فرستادن اطلاعیه به کارگران با عنوان زیر اقدام به تعطیلی کامل کارگاه گرفته است:

به اطلاع کارگران میرساند همانگونه که مستحضرید از تاریخ ۱۶ ام اردیبهشت ماه، کارگاه به دلیل عدم پرداخت مطالبات شرکت و تحویل نگرفتن کارهای اجرا شده از طرف شرکت کانی مس، در حالت تعلیق بود. با توجه به نتیجه نرسیدن جلسات مشترک با کارفرما شرکت آهن آجین تصمیم به تعطیلی کامل کارگاه گرفته و از یکم خرداد ۱۴۰۱ با تمامی نیروها اتمام همکاری می‌شود. توجه فرمایید که از تاریخ فوق برای هیچکدام از نیروها بیمه و حقوق تعلق نخواهد گرفت.

### حدود ۱۳۰۰ کارگر معدن آسمینون کرمان بیکار شده‌اند

حدود ۱۳۰۰ کارگر معدن آسمینون منوجان به دلیل تداوم تعطیلی معدن، از تاریخ یکم خرداد ماه تاکنون با بیکاری و معضلات معیشتی مواجه شده‌اند. پس از گذشت یک ماه از تعطیلی معدن کرومیت آسمینون منوجان در جنوب استان کرمان و بیکار شدن ۱۳۰۰ کارگر، اخیراً نامه‌ای مبنی بر قطع برق و تعطیلی کامل این مجتمع نیز منتشر شده است. کارگران این شرکت همگی سوابقی بالای ۵ سال و تا ۱۸ سال دارند و تعطیلی این شرکت، تأثیر منفی مستقیم بر روند زندگی بیش از چهار هزار نفر از کارگران و خانواده‌های آنها دارد. با وجود وعده، وعیده‌های مسئولان طی سال‌های اخیر جهت پیگیری وضعیت موجود کارگران، تاکنون اقدامی برای رفع مشکلات آنان صورت نگرفته است. لازم به ذکر است، شرکت معادن کرومیت فاریاب در بخش آسمینون شهرستان منوجان در جنوب استان کرمان با دستور مدیر عامل شرکت تعطیل شده است.

### کارگران ایران مایه تبریز نگران پلاتکلیفی

کارگران ایران مایه تبریز که به دلیل تعطیلی کارخانه حدود یک سال بیکار هستند، می‌گویند: در حالیکه رأی پیشین ما در گرفتن حق‌السعی با شکایت کارفرما از طرف دیوان عدالت اداری لغو شد، منتظریم که مجدداً جلسات هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف برگزار شود تا مجدد این موضوع را پیگیری کنیم. به گفته آن‌ها؛ مسئولان در حالیکه از یک سال گذشته قول پیگیری موضوع و واگذاری شرکت از کارفرمای خارجی به کارفرمای ایرانی را می‌دادند اما اکنون می‌گویند چون شرکت خصوصی است کاری از دستمان برنمی‌آید. این کارگران می‌گویند: اداره کار به ما پیشنهاد تسویه حساب و گرفتن بیمه بیکاری می‌دهد اما ما بعد از بیش از ۱۰ - ۱۵ سال کار در این شرکت نمی‌توانیم به راحتی تسویه حساب کنیم و با این سن و سال به سراغ کار دیگری برویم. کارگران نگران این هستند که در جلسه‌ی هیأت تشخیص و حل اختلاف،

صفحه ۱۷

### کارگران داربست بند شرکت پارس قدرت و فازهای ۹ و ۱۰ عسویه دست به اعتصاب زدند

روز شنبه ۲۸ خردادماه ۱۴۰۱ کارگران داربست‌بند پروژه‌های شاغل در پتروپالایش کنگان و فازهای ۹ و ۱۰ عسویه در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌های‌شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. کارگران پروژه‌های داربست‌بند شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی خواستار افزایش دستمزد به میزان لیست پیشنهادی خودشان و اجرای نوبت‌کاری ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند. کارگران داربست‌بند شاغل در پروژه‌های نفت بیشتر فراخوانی را برای شروع اعتصاب گسترده از روز اول تیرماه اعلام کرده بودند.

### اعتصاب سراسری کارگران داربست بند شروع شد! کارگران پروژه‌های داربست‌بند فاز ۱۴ عسویه نیز دست به اعتصاب زدند

روز چهارشنبه اول تیرماه ۱۴۰۱ کارگران پروژه‌های داربست‌بند شاغل در فاز ۱۴ عسویه در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌های‌شان و مطابق فراخوان از پیش اعلام شده دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. تا این لحظه کارگران شرکت‌های پایندان، شهبازی، مطوری، حاجی‌پور و زیرمجموعه‌های آنها وارد اعتصاب به قصد ترک کامل کارگاه‌ها شده‌اند. کارگران داربست‌بند شاغل در سایت‌های ۱ و ۲ پروژه‌های پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی کیان، پتروپالایش کنگان، پتروشیمی آریین متانول و همچنین پروژه‌های پتروشیمی دماوند هم به اعتصاب سراسری داربست‌بندها پیوستند.

لازم به یادآوری است، این اعتصابات در شرایطی شکل گرفته است که سال گذشته از اول تیر ماه، کارگران صنایع نفتی در بیش از ۱۰۰ شرکت برای همین مطالبات دست به اعتصاب زده بودند، کارفرماها و دولت با ترفند و توطئه از تحقق خواسته‌های کارگران سر باز زدند که کارگران با قدرتی بمراتب بیشتر بر تحقق خواسته‌هایشان پافشاری می‌کنند. ما در برنامه جامعه و کارگران از خواسته‌ها و مطالبات کارگران اعتصابی حمایت می‌کنیم و از بخش‌های مختلف طبقه کارگر می‌خواهیم از خواسته‌های کارگران اعتصابی صنایع نفتی به هر شکل ممکن حمایت کنند.

### اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری خرمشهر

روز شنبه ۲۸ خردادماه ۱۴۰۱، جمعی از کارگران شهرداری خرمشهر، در اعتراض به عدم دریافت ۱۷ ماه حقوق معوقه، دست به اعتصاب زده و در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند. این در حالی است که طی روزهای اخیر مسئولان شهرداری، تنها مبلغی بسیار ناچیز تحت عنوان علی‌الحساب به کارگران پرداخت کرده‌اند.

### تجمع اعتراضی کارگران اخراج شده شرکت آهن آجین پروژه‌لیچینگ معدن سونگون ورزقان مقابل مدیریت این

کارگران، کمونیست‌ها، به حزب حکمتیست پیوندید!



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

یک کارگر بر اثر سقوط در چاهی در محل کارخانه نمک‌زدایی شرکت نفت و گاز مارونجان، جان خود را از دست داد.

در تاریخ ۳۱ خردادماه ۱۴۰۱ در حدود ساعت دوازده تا یک بعدازظهر، کارگر ماشین سپتیک که به‌منظور تخلیه چاه واحد نمک زدایی به لبه حوض رفته تا شرایط را برای تخلیه چاه آماده کند، بر اثر لیز خوردن به درون چاه سقوط می‌کند. نبود کسی در اطراف چاه به‌منظور کمک باعث می‌شود تا این کارگر در بی‌خبری جان خود را از دست بدهد.

### حادثه در کارخانه سیمان دشتستان، ۴ کارگر مصدوم شدند

در پی بروز حادثه در کارخانه سیمان دشتستان، چهار نفر از کارگران این کارخانه مصدوم و به بیمارستان گنجی شهرستان اعزام شدند. روابط عمومی کارخانه سیمان دشتستان اعلام کرد بر اثر اتصال و جرقه برق در محل تابلوی منبع تغذیه پست برق آسیاب سیمان کارخانه باعث سوختگی چهار نفر از پرسنل شد. بر اساس این گزارش این چهار نفر از تکنسین و پرسنل واحد برق در این محل در حال فعالیت بودند که در اثر این اتفاق پس از ایمنی محل حادثه از سوی اکیپ ایمنی کارخانه مصدومین به‌همت مرکز بهداری و ایمنی کارخانه به بیمارستان گنجی انتقال یافتند و در حال درمان هستند.

عامل اصلی تحمیل فقر که هر روز شاهد خودکشی کارگران هستیم و عدم تامین ایمنی محل کار ناشی از سوجدوی سرمایه‌داران و دولت حامی آنها است. ما در برنامه جامعه و کاران اعلام می‌کنیم در غم و اندوه بستگان و همکاران قربانیان شریک هستیم و سودپرستی سرمایه‌داران و دولت حامی آنها را قاتل و مصیب اصلی قربانیان میدانیم.

### تجمع اعتراضی کشاورزان دریاسری مقابل فرمانداری لنگرود به دلیل کم آبی و خشک شدن شالیزارها

کشاورزان دریاسری به علت کم آبی و خشک شدن شالیزارهایشان در مقابل فرمانداری شهرستان لنگرود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

### اطلاعیه سندیکای شرکت واحد

رضا شهابی در دهمین روز اعتصاب غذا: از جان رضا شهابی چه می‌خواهید؟ به زندان و پیگرد فعالین سندیکایی پایان دهید

اعتصاب غذای رضا شهابی وارد دهمین روز خود شده است. هر کس که قدرت درک واقعیت ده روز اعتصاب غذا و خطری را که ادامه آن برای جان رضا شهابی دارد از دست نداده باشد، درمی‌یابد که با ادامه آزار جسمی و روانی این فعال سندیکایی و بازجویی‌های بیشتر نمی‌تواند اراده او را در برابر سناریوی از پیش نوشته شده نخ نما به تسلیم بکشاند و در شرایطی که او جانش را سنگر دفاع از حقانیت سندیکا و مشروعیت و قانونیت همبستگی طبقاتی با همسرانشان خویش در عرصه بین‌المللی کرده است، تنها او را به سمت مرگ می‌راند.

رضا شهابی، حسن سعیدی، ریحانه انصاری نژاد، آئیشا اسداللهی، کیوان مهندی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، رسول بدایی، مسعود نیکخواه و دهها فعال حقوق کارگری و صنفی هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و هیچ انسان آزاده‌ای اتهامات امنیتی نسبت داده شده به آنان را نمی‌پذیرد. ادامه زندان و در مواردی بازجویی و انفرادی فعالین سندیکایی و صنفی

حکم به تسویه حساب آن‌ها داده شود که در اینصورت امکان پیگیری موضوع واگذاری شرکت به تعویق می‌افتد. کارخانه ایران مایه تبریز در سال ۱۳۸۷ به یک شرکت ترکیه‌ای - فرانسوی واگذار شد، اوایل سال ۱۴۰۰ این شرکت به بهانه‌ی ضررده بودن، تعطیل شد و کارفرما با ۱۵۰ نفر از کارگران تسویه حساب کرد که از این تعداد حدود ۳۰ نفر حاضر به تسویه حساب نشدند.

### کارگران شهرداری ایلام دست به تجمع و اعتراض زدند

شامگاه دوشنبه ۳۰ خرداد ماه کارگران شهرداری ایلام به خاطر عدم دریافت سه ماه حقوق و ۱۲ ماه مزایای متعلقه؛ در مقابل واحد موتوری شهرداری دست به تجمع اعتراض‌آمیز زدند و خواستار احقاق حقوق خود شدند.

### اعتصاب رانندگان خودروهای استیجاری شهرداری ارومیه در اعتراض به سطح پایین حقوق

شماری از رانندگان خودروهای استیجاری حمل زباله شهرداری ارومیه با توقف فعالیت‌های شغلی خود دست به اعتصاب زدند. رانندگان معترض نسبت به سطح پایین حقوق دریافتی، عدم تناسب دستمزد با تورم و گرانی‌های فزاینده و خلف وعده مسئولان درباره پیگیری خواسته‌های خود اعتراض دارند. آنها خواهان افزایش دستمزد، تنظیم قراردادهای شغلی با ساعات کاری مشخص، اضافه‌کاری و مرخصی، به‌رهمندی از قرارداد کار معتبر و رسیدگی به دیگر مطالبات شغلی و معیشتی خود شده‌اند.

### خودکشی یک کارگر به دلیل مشکلات معیشتی در لنده

یک کارگر ساکن شهر لنده از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل مشکلات معیشتی اقدام به خودکشی کرد و جان خود را از دست داد. هویت وی "لهراسب وحیدی، متاهل، دارای ۶ فرزند و اهل شهر لنده" اعلام شده است. یک منبع مطلع گفت: "علت خودکشی این کارگر مشکلات معیشتی و فقر مالی و مشکل در تامین رهن خانه بوده است".

### مرگ دو کارگر در کرج

۲ کارگر ساختمانی در حین کار کردن در یک ساختمان نیمه‌کاره در در بلوار رستاخیز رجایی شهر، به دلیل پاره شدن کابل آسانسور از طبقه پنجم به پایین سقوط کرده دچار حادثه شدند و جان خود را از دست دادند.

### مرگ یکی از کارگران شرکت فضای سبز شهرداری تبریز بر اثر حادثه برق گرفتگی

محمدرضا مختاری یکی از کارگران شرکت یحوزه فضای سبز شهرداری منطقه یک، بر اثر حادثه برق گرفتگی جان خود را از دست داد. این کارگر در حین تعمیر پمپ آب واقع در آبنمای فلکه مصدق واقع در ولیعصر متاسفانه بر اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داد.

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

در حالی است که هم اکنون پرونده شماره ۲۵۰۸ در کمیته آزادی انجمن سازمان جهانی کار در شکایت از دولت جمهوری اسلامی ایران به دلیل نقض حقوق و استانداردهای بین‌المللی کارگری و سرکوب تشکل‌ها و فعالین مستقل کارگری در کشور، و از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد، از طریق فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل و سندیکاها و فدراسیونهای بین‌المللی کارگری جریان دارد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

تهران و حومه، خواهان توقف فوری بازجویی‌ها، تهدیدها و توهین‌های بازجویان نسبت به رضا شهابی است. رضا شهابی باید بلافاصله به یک بیمارستان مناسب خارج از زندان منتقل و پس از معاینه و مراقبتهای پزشکی لازم آزاد شود. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، همه یاران و حامیان جنبش کارگری و عموم انسان‌های آزادیخواه و تشکل‌های مستقل را به حمایت هر چه گسترده‌تر از مطالبه قطع فوری پیگیری و پرونده‌سازی‌های امنیتی و آزادی همه فعالین سندیکایی و صنفی فرا می‌خواند.

#سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۳۰ خرداد ۱۴۰۱

ما در برنامه جامعه و کارگران از رضا شهابی عزیز درخواست میکنیم، کارگران ایران و جهان صدای اعتراض حق طلبانه شما را از درون زندان شنیدند و ادامه زندان و شکنجه شما و بقیه فعالین کارگری، فرهنگی و سیاسی ناشی از ضعف حاکمیت رژیم اسلامی میدانند، از این رو ادامه اعتصاب غذای شما بنفع مبارزات جنبش کارگری نیست و از شما درخواست میکنیم برای حفظ جان خود به اعتصاب غذای خود پایان دهید.

سجاد شکری به بند ۲ الف اطلاعات سپاه منتقل شد  
سجاد شکری را بعد از نزدیک به یک هفته به بند ۲ الف تحت نظر اطلاعات سپاه منتقل کرده‌اند. سجاد شکری ضمن تماس کوتاهی با خانواده‌اش ضمن اعلام این خبر حال عمومی خودش را خوب توصیف کرده است.

بازداشت یکی دیگر از فرهنگیان سقز

محسنشکوهی از معلمان پیشکسوت شهر سقز، بامداد جمعه، ۲۷ خرداد، در منزل خود بازداشت شده است. با این حساب، شمار همکاران بازداشت‌شده در سقز به ۲۲ تن رسید.

قرار بازداشت حسن سعیدی یک ماه دیگر از سوی بازپرسی دادسرای زندان اوین تمدید گردید

طی مراجعه روز ۲۸ اردیبهشت ماه خانم نسرین رحیمی همسر حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به دادسرای زندان اوین، به ایشان اعلام کرده اند که قرار بازداشت این فعال کارگری یک ماه دیگر تمدید گردیده است. درحالی قرار بازداشت آقای سعیدی مجدداً از سوی بازپرسی تمدید گردیده که مراحل پایان بازجویی‌هایش دومین هفته خود را میگذراند. این کارگر زندانی همچنان در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس است.

مهدی سلیمی جهت تحمل حبس راهی زندان شد

مهدی سلیمی، پژوهشگر، نویسنده و مترجم، روز شنبه ۲۸ خرداد ماه، جهت تحمل حکم شش ماه حبس روانه زندان اوین شده است. شعبه ۲۶ بیدادگاه انقلاب تهران به ریاست ایمان افشاری در تیر سال گذشته، آقای سلیمی را برای اتهام‌های "توهین به مقدسات" به سه سال زندان و به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به هشت ماه حبس تعزیری محکوم شد که دو سال و شش ماه از این محکومیت به مدت پنج سال به حالت تعلیق در آمده است. وی در نامه‌ای سرگشاده درباره حکم صادره نوشت: من همچنان به حکم تعلیقی دو سال و نیم خود به شرط انجام کارهای اجباری و ممنوعیت‌های پنج ساله تحت لوای "عدالت ترمیمی" که از قضا "لازم‌الاجرا" هم هست، قاطعانه نه می‌گویم. چرا که به عنوان یک نویسنده و مترجم "متهم"، آزادی بیان و عقیده را حق طبیعی هر کسی دانسته و عبارات موهنی از قبیل "اصلاح‌پذیری"، "قابلیت ترمیم" و "کنترل هیجان" را شایسته هیچ قلم آزاداندیشی نمی‌دانم.

عدم رسیدگی پزشکی به وضعیت اسماعیل عبدی در زندان کچوی کرج

اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان که دوران محکومیت خود را بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در بند قرنطینه زندان کچوی کرج سپری می‌کند، علیرغم گذشت حدود یک ماه از تشخیص پزشک بهداری زندان مبنی بر اعزام به مرخصی درمانی، از رسیدگی پزشکی مناسب و یا اعزام به مرخصی محروم مانده است. روز شنبه ۲۸ خردادماه ۱۴۰۱، یک منبع نزدیک به خانواده آقای عبدی در خصوص شرایط این زندانی گفته است: «اسماعیل عبدی از معده درد شدید، ناراحتی ریوی، بی‌حسی مژمن در ناحیه دست‌ها و پاها، فشار خون بالا و درد زانو رنج میبرد. با این حال علیرغم گذشت حدود یک ماه از تشخیص پزشک بهداری زندان مبنی بر اعزام به مرخصی درمانی این زندانی، وی از رسیدگی مناسب پزشکی و یا اعزام به مرخصی محروم مانده است.»

رضا طهماسبی از معلمان سنندجی بازداشت شد

رضا طهماسبی یکی از فعالین صنفی معلمان انجمن صنفی شهر سنندج، روز دوشنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۱ بازداشت شده است.

صادق کنعانی از فعالین صنفی معلمان سنندج بازداشت شد

صادق کنعانی از فعالین صنفی معلمان شهر سنندج روز چهارشنبه اول تیرماه توسط ماموران امنیتی دستگیر شد.

محکومیت به حبس و محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی برای پرونده "دادخواهان سلامت"

بابک پاک‌نیا، وکیل متهمان پرونده «دادخواهان سلامت»، از صدور احکام سنگین برای فعالان این پرونده خبر داد. این وکیل دادگستری با اعلام این خبر گفت: به موجب این رای در سنگین‌ترین فعالین اجتماعی و همکاران وکیل ما، محکوم به حبس و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی و شغلی شدند. طبق حکم اخیر، مهدی محمودیان و مصطفی نیلی هر کدام به چهار سال حبس به اضافه دو سال محرومیت از فعالیت‌های رسانه‌ای و آرش کیخسروی نیز به دو سال حبس، یک سال محرومیت از وکالت و یک سال محرومیت از فعالیت رسانه‌ای محکوم شدند.

آرام ابراهیمی از فعالین صنفی معلمان سنندج بازداشت شد

آرام ابراهیمی از فعالین صنفی معلمان سنندج ساعت ۲ بامداد شب گذشته در منزل پدریش در سنندج توسط ماموران امنیتی دستگیر شد.

اعلام اعتصاب غذای ترمحمدعلی زحمتکش

اینجانب محمدعلی زحمتکش بازنشسته فرهنگی و جانباز

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

جمال کامانگر

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند  
که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

سردبیر این شماره سعید یگانه

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!